

ساخت و راه‌اندازی سد ایلیسو در ترکیه و پدیده ریزگردها در ایران: اولویت اصول مرتبط با حقوق بین‌الملل محیط زیست

علی نواری*

چکیده

احداث سد‌های بزرگ بر روی رودخانه‌های بین‌المللی در قالب پروژه‌های تولید نیروی برق-آبی دارای آثار متعددی است که لزوم رعایت مقررات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، یکی از ابعاد مهم آن محسوب می‌شود. در مواردی که احداث یک سد در قلمروی سرزمینی یک دولت، با احتمال فراوان، آثار عمده و مخرب فرامرزی برای محیط‌زیست سایر دولت‌ها ایجاد می‌کند، تقابل ادعاهای متعارض، امری اجتناب‌ناپذیر است. درحالی‌که دولت سازنده سد، به منافع حاصل از احداث آن در چارچوب اصل صلاحیت سرزمینی خود استناد می‌جوید، دولت‌های همسایه ممکن است ادعای آثار زیان‌بار فرامرزی سد را برای محیط‌زیست خود مطرح کرده و خواستار رعایت مقررات مرتبط حقوق بین‌الملل محیط‌زیست باشند. در ارتباط با سد ایلیسو، ادعا شده و احتمال می‌رود ساخت و بهره‌برداری از این سد، در تشدید پدیده ریزگردها در کشورهای همسایه به‌ویژه ایران، اثرگذار باشد. سؤالی که مطرح می‌شود، این است که دولت‌ها در اجرای پروژه‌های ملی از جمله احداث سد، چه اصولی از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را باید در اولویت و مورد رعایت قرار دهند؟ این مقاله تلاش می‌کند تا رویکرد نظام حقوق بین‌الملل را در اولویت‌بخشی به رعایت اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در اجرای پروژه‌های ملی تبیین کند.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل، دولت، ریزگردها، سد ایلیسو، محیط‌زیست.

* استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

مقدمه

افزایش چشمگیر جمعیت جهان احتیاج به تأمین انرژی بیشتر در حوزه‌های مختلف را به عنوان یک نیاز ضروری فراروی دولت‌ها قرار داده است. تردیدی نیست که انرژی برق در زمره حیاتی‌ترین و مبرم‌ترین نیازهای بشر معاصر است. امروزه تولید انرژی برق از طریق احداث سد به عنوان یکی از شیوه‌های متداول تأمین انرژی محسوب می‌شود. بر اساس آمار کمیسیون بین‌المللی سدهای بزرگ، ۵۷۸۴۵ سد بزرگ در جهان وجود دارد (icold-cigb, 2018).

بهره‌مندی از فناوری نیروی آب از عهد عتیق آغاز شده است. نیازهای کشاورزی در زمینه آبیاری در خلال عصر حجر (حدود ۵۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح) سرآغاز اقداماتی برای کنترل جریان آب رودخانه‌ها بود (Mays, 2010: 1). نخستین تلاش‌ها در راستای مهار آب‌های دجله و فرات از طریق سد، به ۵۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. ساکنان نخستین در عراق مرکزی، آب این رودخانه‌ها را از طریق سدهای سنگی منحرف کردند تا منابع ذخیره آب برای کانال‌های آبیاری خود فراهم کنند (Bermer, 2016: 93). دولت‌های ساحلی دجله و فرات در نیم‌قرن گذشته استفاده خود را از آب این دو رودخانه از طریق احداث سد توسعه داده‌اند. دولت ترکیه با پروژه *آناتولی جنوب شرقی*^۱ در قالب ۲۲ سد بزرگ، دولت عراق با ساخت ۱۵ سد بزرگ، دولت سوریه با احداث ۳ سد بزرگ، بهره‌برداری از آب‌های دجله و فرات را در دستور کار خود قرار داده‌اند (FAO Geo-referenced database, 2013).

عملیات سدسازی از سوی دولت‌ها بر روی رودخانه‌های بین‌المللی یکی از موضوعات مجادله برانگیز در سطح ملی و بین‌المللی است. علاوه بر آثار کلی ساخت یک سد، این نگرانی وجود دارد که احداث یک سد بر روی یک رودخانه بین‌المللی منجر به بروز مشکلات محیط زیستی برای سایر دولت‌ها شود. کاهش جریان آب دریافتی در نتیجه سدسازی، علاوه بر اینکه سایر دول ساحلی را با معضل کمبود آب

1. Güneydoğu Anadolu Projesi (GAP)

مواجه خواهد ساخت، ممکن است پیامدهای مخرب محیط زیستی متعددی به همراه داشته باشد. در نظام حقوق بین‌الملل، از یک سو دولت‌ها مکلف‌اند بر فعالیت‌های مربوط به حوزه تحت صلاحیت خود مراقبت و نظارت داشته باشند تا این فعالیت‌ها به محیط‌زیست سایر دولت‌ها و مناطقی که ماورای قلمروی سرزمینی آن‌هاست آسیب نرسانند؛ اما از سوی دیگر بر اساس اصل صلاحیت سرزمینی، دولت‌ها حق حاکمانه دارند به اینکه از منابع خاص خود بر مبنای سیاست ویژه محیط‌زیست و توسعه خود، بهره‌برداری کنند. با وجود این، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در ابعاد مختلف به گونه‌ای توسعه یافته است که اصل صلاحیت سرزمینی دولت‌ها را از اطلاق خارج کرده است. اصل حسن هم‌جواری که در معاهدات بین‌المللی متعدد مورد تأکید قرار گرفته است، دولت‌ها را در اعمال اصل صلاحیت سرزمینی، با محدودیت‌های محیط‌زیستی مشخصی مواجه می‌کند. امروزه ملاحظات محیط‌زیستی، به عنوان یک معیار اساسی در تعیین قلمروی صلاحیت سرزمینی دولت‌ها قلمداد می‌شود.

در ارتباط با سد / یلیسو^۱، یکی از آثار احتمالی ناشی از بهره‌برداری این سد، ایجاد و گسترش چشمه‌های گرد و غبار خواهد بود که تأثیرات نامطلوبی بر محیط‌زیست کشورهای همسایه از جمله ایران خواهد داشت. نخستین هجوم گسترده گرد و غبار در ایران به سال ۱۳۸۲ بر می‌گردد و هم‌اکنون ۲۰ استان کشور را با مشکل مواجه کرده است. آلودگی ناشی از گرد و غبار در چند سال اخیر استان‌های غربی و جنوب غربی و در صورت افزایش شدت و وسعت، به صورت موردی هوای دیگر استان‌های ایران را بحرانی ساخته است (حیدرزاده، جمالی و غلامی، ۱۳۹۶: ۴۴-۴۵). بر این اساس، باید انتظار داشت دولت ترکیه به منظور جلوگیری از تشدید احتمالی پدیده ریزگردها در کشورهای هم‌جوار در نتیجه بهره‌برداری از سد / یلیسو، اصول مشخصی از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را مدنظر و در اولویت قرار دهد.

تمامی عناصر محیط‌زیست (آب، هوا و خاک) و کلیه گونه‌ها به یکدیگر وابستگی

متقابل دارند و از این رو آسیب به یک جنبه از محیط‌زیست احتمالاً دارای آثار و پیامدهای وسیع و غیر قابل پیش‌بینی است (شیلتون و کیس، ۱۳۹۴: ۳۸). این مسئله به خوبی و به طور گسترده مورد شناسایی و پذیرش قرار گرفته است که کره خاکی با طیف وسیع و متنوعی از مشکلات و چالش‌های محیط‌زیستی مواجه است که تنها از طریق همکاری‌های بین‌المللی می‌توان آن‌ها را مرتفع کرد. در قلمروی حفاظت از محیط‌زیست، وابستگی بین تمام دولت‌های جهان وجه غالب است، زیست‌سپهر مرز نمی‌شناسد و این وحدت اکوسیستم یا سامانه بوم به حقوق بین‌الملل محیط‌زیست خصیصه ویژه اعطا می‌کند (کک دین و دیگران، ۱۳۸۳: ۸۸۸). موضوعات محوری در مقررات بین‌الملل محیط‌زیستی و آنچه به آن ماهیت بین‌المللی می‌دهد گویای این است که هیچ دولتی نمی‌تواند مشکلات محیط‌زیستی را به طور مستقل کنترل کند (Koivurova, 2014: 9).

سؤال اصلی که نگارنده مقاله در صدد پاسخ به آن است، این است که دولت‌ها به‌ویژه دولت ترکیه در اجرای پروژه‌های ملی از جمله احداث سد که ممکن است آثار زیان‌بار فرامرزی برای محیط‌زیست سایر دولت‌ها ایجاد کند، چه اصولی از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را باید در اولویت و مورد رعایت قرار دهند؟ در این مقاله پس از تشریح علل و عوامل مؤثر در وقوع پدیده ریزگردها و توضیح مختصر پروژه آناتولی جنوب شرقی و آثار احتمالی آن، اصول مرتبط حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را بررسی می‌کنیم.

۱. علل و عوامل دخیل در ظهور پدیده ریزگردها^۱ در ایران

اکثر گرد و غبارهای دنیا از نواحی‌ای مانند بیابان بزرگ ساهارا، خاورمیانه و آسیای جنوب غربی، استرالیا، مغولستان و بخش‌هایی از قاره آمریکا، اروپا و غیره منشأ می‌گیرد. کمربندهای گرد و غبار به طور عمده در نیمکره شمالی زمین واقع شده‌اند و از

شمال آفریقا تا چین گستردگی دارند. در واقع ایجاد گرد و غبار می‌تواند به نوعی واکنش به تغییر پوشش گیاهی زمین باشد (گنجعلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۴). وجود مناطق بیابانی با پوشش گیاهی تنک و بارندگی کم از مشخصه‌های اصلی سرزمین‌های واقع در عرض‌های پائین جغرافیایی است که موجب ایجاد شرایط آب و هوای بسیار گرم و خشک در این مناطق و پیدایش بادهای موسمی در فصول گرم سال می‌شود. این بادهای که در اثر اختلاف فشار و اختلاف شدید دمای شب و روز مناطق بیابانی و صحراها به وجود می‌آیند، می‌توانند ذرات حاصل از فرسایش بادی خاک را از سطح زمین بلند کرده و به حالت معلق درآورند. گرد و غباری که بدین ترتیب به وجود می‌آید تداومی درازمدت و چندروزه دارد (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۲).

ذرات گرد و غبار به دلیل مواد آلی اشباع شده، حالت چسبنده دارند؛ در نتیجه روی وسایل می‌چسبند و قادرند موجب آلودگی و خسارت به تأسیسات الکتریکی و صنعتی شوند (Keramat & et al, 2011: 473). وسعت خسارات ریزگردها تنها محدود به تهدید اراضی کشاورزی و مناطق صنعتی نبوده، بلکه با مختل کردن زندگی عادی شهروندان آشکارا تبدیل به یک تهدید جدی محیط زیستی شده و واکنش افکار عمومی را به دنبال داشته است (عبدی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۴۲). بحران ریزگردها را می‌توان به مثابه تهدیدی بالقوه برای امنیت محیط زیستی و ملی در منطقه تلقی کرد (طوفان، ۱۳۸۹: ۹۴۳). با توجه به اینکه وقوع پدیده ریزگردها به صورت دوره‌ای در کشور ما استمرار دارد، شناخت دلایل و ریشه‌های آن به منظور جلوگیری از ادامه این مشکل امری ضروری است.

در طول سال‌های گذشته گرد و خاک وارد شده به کشور از همسایه‌های غربی، شامل کشورهای عراق، سوریه، اردن، عربستان و خود کشور ایران نشئت گرفته است. سهم هر کدام از کشورهای مزبور در تولید گرد و خاک متفاوت بوده و بیشترین نقش در تولید آن را به ترتیب کشورهای عراق، سوریه و عربستان بر عهده دارند. بر اساس مطالعات انجام شده، ۶ کانون اصلی تولید گرد و خاک شناسایی شده است که در دهه

گذشته حداقل ۱۰ طوفان از آن کانون‌ها روانه ایران شده است. مساحت تقریبی مجموع این ۶ کانون اصلی در حدود ۶۶۵۴ کیلومتر مربع برآورد شده است. یکی از مهم‌ترین این کانون‌ها، مناطق محصور در مرز بین کشورهای عراق و سوریه در غرب نینوا است. دو کانون اصلی دیگر، دو منطقه واقع در شمال سد حدیثه در قسمت شمال غربی دریاچه تارتار است. در دو کانون فوق که در مجموع مساحتی در حدود ۱۹۲۳ کیلومتر مربع را در بر گرفته‌اند بالغ بر ۲۸ طوفان با شدت‌های نسبتاً زیاد در ۱۰ سال گذشته تولید و به سمت ایران روانه شده است. دیگر کانون اصلی و موثردین‌گرد که ایران را با بحران جدی مواجه ساخته است، صحرای المثنی واقع در ۲۰۰ کیلومتری مرز استان خوزستان است که مساحتی حدود ۱۶۳۰ کیلومتر مربع دارد (تقی‌ملایی، ۱۳۹۵: ۲۵-۲۴). در حوضه دجله و فرات، طوفان‌های گرد و غبار از ماه می شروع و در ماه جولای به حداکثر خود می‌رسد و در ماه‌های سپتامبر تا نوامبر کاهش می‌یابد.

عوامل و عناصر زیادی در به وجود آمدن پدیده ریزگردها نقش دارند. خشک شدن بسترهای آبی رودخانه‌ها و تالاب‌ها، فرسایش شدید خاک، از بین رفتن پوشش سبز زمین، کاهش میزان بارندگی، خشک‌سالی‌های مداوم، رطوبت نسبی پائین محیط‌زیست، استفاده کنترل نشده از آب و وزش بادهای شدید و ناگهانی از جمله مهم‌ترین این عوامل تلقی می‌شوند. یکی دیگر از عواملی که باعث تشدید تولید گرد و غبار می‌شود، پدیده گرمایش جهانی و بیابان‌زایی در سطح جهان است که از روند رو به رشدی در بیشتر نقاط سطح زمین برخوردار است (طائی سیمرمی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸).

اگر بخواهیم در یک طبقه‌بندی مشخص باهدف تفکیک عوامل اثرگذار بر وقوع پدیده ریزگردها، در جستجوی مضمونین اصلی این معضل باشیم، با دو معیار تقسیم‌بندی شامل عوامل محیط‌زیستی و عوامل انسان‌ساز مواجه خواهیم شد. در خصوص عوامل محیط‌زیستی دو عامل تأثیرگذار عبارت‌اند از عوامل اقلیمی و عوامل زمین‌شناسی. عواملی نظیر؛ میزان نامناسب بارندگی، تبخیر شدید، سرعت به نسبت زیاد باد، دوره برگشت کوتاه و تداوم خشک‌سالی‌ها و گسترده‌گی مناطقی با اقلیم خشک در زمره

عواملی اقلیمی قرار دارند که از دیرباز در ایران و سایر کشورهای خاورمیانه موجب پیدایش و تشدید توفان‌های گرد و غبار شده است. همچنین وزش بادهای گرم و خشک از صحاری عربستان و جنوب عراق^۱ در این دسته قرار می‌گیرند. توفان‌های صحرای وسیع ربع‌الخالی (صحرای در مرز ایران، عراق و کویت به وسعت ۶۵۰ هزار کیلومترمربع که از خاک رس پوشیده شده است)، سواحل دریای سرخ، باتلاق‌های خشک شده همانند تالاب هورالهویزه، آل‌جسره و هورالحمار در عراق از جمله عوامل زمین‌شناسی مولد گرد و غبار هستند. در زمینه عوامل انسان‌ساز مطالعات انجام شده توسط مرکز تحقیقات ملی اقیانوس و اتمسفر ایالات متحده^۲ حاکی از آن است که علت عمده بروز پدیده ریزگردها در منطقه خاورمیانه، بیابان‌زایی در مرکز و بخش‌های شمال غرب عراق به‌ویژه منطقه آل‌جسره است. این منطقه در نزدیکی بغداد بین دو رود دجله و فرات واقع شده و در گذشته دارای تالاب‌ها و دریاچه‌های بی‌شماری بوده است؛ اما خشک‌سالی‌های مداوم که از سال ۱۹۹۰ در این مناطق آغاز شده به همراه کاهش بارندگی و درصد رطوبت و عوامل انسان‌ساز همانند تقسیمات آبی انجام گرفته در بالادست رودخانه فرات توسط سوریه، ایجاد سد در چندین نقطه از رودخانه دجله توسط دولت ترکیه، استفاده بی‌رویه عراقی‌ها از آب رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و حتی تالاب‌ها برای مصارف کشاورزی سبب شده است تا تمامی دریاچه‌ها و تالاب‌های مناطق بیابانی به‌ویژه منطقه آل‌جسره به طور کامل خشک شود (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۳-۴). در دوران جنگ تحمیلی، رژیم صدام شروع به زهکشی اراضی هور به منظور اینکه سربازان بتوانند در این مناطق حرکت کنند، کرد و آب را برای جلوگیری و ایجاد مانع در مسیر پیشروی سربازان ایرانی استفاده می‌کرد، شاید یکی از دلایل دیگر خشکاندن هورها

۱. یکی از مهم‌ترین بادهای موسمی باد شمال در عراق است که در اثر تداخل توده‌های هوای گرمی که از سمت جنوب وارد عراق می‌شوند با توده‌های هوای سرد قطبی واردشده از سمت شمال و اروپا به کشور عراق، پدید می‌آید. این باد موسمی به دلیل قدرت دینامیک زیادی که دارد منجر به جابجایی حجم عظیمی از ذرات ریز از سطح زمین می‌شود.

2. National Oceanic and Atmospheric Administration (NOAA)

این بود که ساکنان هورها از مخالفان رژیم صدام بودند بنابراین، برای تسلیم کردن آن‌ها در سال ۱۹۹۱ میلادی دولت عراق اقدام به بستن آب در مسیر هورها کرد (تقی‌ملایی، ۱۳۹۵: ۲۲). جمع‌آوری برخی نمونه‌های ذرات گرد و غبار و آنالیز آن‌ها نشان از وجود موجوداتی دارد که در تالاب‌ها زندگی می‌کنند بنابراین، می‌توان پذیرفت که اکثر ریزگردها منشأ تالابی دارند نه بیابانی (گنجعلی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۸) و خشک شدن تالاب‌ها در عراق نقش بسیار مؤثری در ظهور پدیده ریزگردها در ایران، ایفا می‌کند.

۲. پروژه آناتولی جنوب شرقی و آثار احتمالی بهره‌برداری از سد ایلیسو

پروژه آناتولی جنوب شرقی، یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های عمرانی مربوط به آب در کشور ترکیه است که مساحتی در حدود ۷۵۰۰۰ کیلومتر مربع و ۹ استان (آدیامان، باتمان، دیاربکر، غازیانتپ، کیلیس، ماردین، سیرت، شانلی‌اورفا و شرناق) منطقه جنوب شرقی ترکیه را در بر می‌گیرد. هدف این پروژه، مدیریت مؤثر منابع آب برای توسعه کشاورزی و تولید برق-آبی عنوان شده است. شاید بتوان پیشینه این پروژه را به دستور آتاتورک در سال ۱۹۳۶ در خصوص تأسیس مرکز مطالعات برق در قالب پروژه کبان نسبت داد که طرح جامع آن در سال ۱۹۸۹ ارائه شد و در سال ۲۰۰۲ این طرح مورد بازنگری قرار گرفت. این پروژه شامل ساخت ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه با حجم ذخیره تقریبی ۱۲۲ میلیارد متر مکعب است که توان تولید حدود ۲۷ میلیارد کیلووات ساعت برق در سال و آبیاری حدود ۱/۸ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی را داراست. از سال ۱۹۹۱ تاکنون ۸ سد بزرگ و ۸ نیروگاه برق-آبی در قالب طرح آناتولی جنوب شرقی بر روی رودخانه دجله احداث شده یا در حال احداث است.^۱ سد ایلیسو در فاصله ۶۰

۱. سد گرکسو با حجم مخزن ۶۰۰ میلیون مترمکعب، سد کراکیزی با حجم مخزن ۱۹۰۰ میلیون کیلومتر مکعب، سد دجله با حجم مخزن ۶۰۰ میلیون مترمکعب، سد باتمان با حجم مخزن ۱۲۰۰ میلیون مترمکعب، سد گارزان با حجم مخزن ۲۰۰ میلیون مترمکعب، سد آکومرا با حجم مخزن ۴۴۰ میلیون مترمکعب، سد ستین با حجم مخزن ۶۱۰ میلیون مترمکعب، سد دینی با حجم مخزن ۹۵۰ میلیون مترمکعب، سد ایلیسو با حجم مخزن ۱۰۵۰۰ میلیون مترمکعب و سد سیلوان با حجم مخزن ۷۰۰ میلیون مترمکعب.

کیلومتری مرز ترکیه و سوریه در منطقه‌ای کردنشین با حجم ذخیره حدود ۱۰/۵ میلیارد مترمکعب و ظرفیت تولید ۱۲۰۰ مگاوات نیروی برق یکی از این سدهاست که عملیات اجرایی آن در سال ۲۰۰۶ آغاز شده است. طول این سد ۱۸۲۰ متر و ارتفاعی حدود ۱۳۵ متر دارد. عملیات احداث این سد از ۳۵ سال پیش در دستور کار قرار گرفته بود اما به دلیل جنجال‌های گسترده تا مدتی متوقف شد (gap, 2018).

دولت ترکیه مدعی است که در چارچوب این طرح، نه تنها برق و آب برای توسعه کشاورزی تأمین و سیلاب‌ها کنترل خواهند شد، بلکه امکانات بسیاری مانند جاده، راه‌آهن، فرودگاه، جاذبه گردشگری، کارخانه، بیمارستان، مدرسه و امکانات نوین برای بچه‌ها و زنان فراهم می‌شود و از مهاجرت مردم نیز جلوگیری خواهد شد (تقی ملایی، ۱۳۹۵: ۱۶). از همین رو، همکاری برخی از سازمان‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی، سازمان خواروبار و کشاورزی و اتحادیه اروپا را به دنبال داشته و ترکیه این طرح را در راستای توسعه انسانی پایدار مطرح کرده است. با این حال، به نظر می‌رسد هدف اصلی طرح جامع *آناتولی جنوب شرقی*، تبدیل منطقه به مرکز صادرات کشاورزی است. از کشورهای آلمان، سوئیس و اتریش به عنوان حامیان مالی این طرح یاد می‌شود که به دنبال اعتراضات گسترده سوریه و عراق و عدم رعایت حقوق کشورهای پائین دست از سوی ترکیه، این کشورها در سال ۲۰۰۹ اعلام کردند حمایت مالی خود از این طرح را متوقف کرده‌اند.

کشور سوریه بر روی خط مرزی به طول ۴۴ کیلومتر از رودخانه دجله بهره‌مند می‌شود و با توجه به موقعیت بالادستی نسبت به عراق، به نظر می‌رسد احداث سد ایلیسو مشکل زیادی برای این کشور ایجاد نکند. دجله نقش مهمی در طرح‌های توسعه آبی سوریه ایفا نمی‌کند، اگرچه سوریه در سال‌های اخیر طرح‌های مطالعاتی برای استفاده از آب دجله انجام داده است (Kirschner & Tiroch, 2012: 339). ادعا شده است، مخزن سد ایلیسو در صورت آبیگیری ۵۲ روستا و ۱۵ شهر کوچک از جمله شهر تاریخی حسن‌کیف که شامل بناهای تاریخی مربوط به دوران آشوری و عثمانی با

۱۲۰۰۰ سال قدمت است را زیر آب خواهد برد. احتمال می‌رود بهره‌برداری از این سد سبب کاهش جریان آب ورودی به عراق از ترکیه از طریق دجله از ۲۱ میلیارد متر مکعب به ۱۰ میلیارد متر مکعب شود. همچنین ادعا شده است، ۷۰۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی عراق نیز از آبیاری محروم خواهند شد؛ ضمن اینکه با آب‌گیری مخزن سد/یلیسو، آب دجله برای مدت چند ماه قطع خواهد شد. با فرض صحت این ادعاها، بهره‌برداری از این سد موجب جابجایی اجباری جمعیت و بی‌خانمان شدن حدود ۸۰ هزار نفر از ساکنان این منطقه خواهد شد. وجود پروژه‌های آبیاری بالادستی قبل از سد/یلیسو نیز منجر به کاهش قابل توجه آب رودخانه دجله شده است که مشکلات عدیده‌ای را برای مردم عراق ایجاد خواهد کرد. این آثار در کنار مشکلاتی نظیر آسیب به اکوسیستم منطقه (به‌ویژه پرندگان) و ایجاد مانع در جابجایی رسوبات، مطرح می‌شود.

به نظر می‌رسد، کاهش جریان آب ورودی دجله به عراق در تأمین آب تالاب مشترک هورالهوریه - هورالعظیم در سمت عراق تأثیر منفی دارد و به احتمال زیاد باعث خشک شدن هرچه بیشتر سطح تالاب در بخش عراقی آن (هورالهوریه) خواهد شد. علاوه بر این، احتمال داده شده است که بهره‌برداری از سد/یلیسو، باعث کاهش کیفیت آب رودخانه دجله و به تبع آن اروندرود و کارون می‌شود و نفوذ آب شور خلیج فارس به داخل اروندرود و کارون افزایش خواهد یافت. تغییرات احتمالی ناشی از بهره‌برداری از سد/یلیسو منجر به تغییر در خط تالوگ اروندرود می‌شود و بر هزینه نگهداری آن تأثیر خواهد گذاشت. به نظر می‌رسد کانون‌های ایجاد ریزگردها در ایران که ادعا می‌شود در مناطق شمال غرب عراق در مرز سوریه، غرب عراق در مرز اردن و هور مرکزی عراق واقع شده‌اند احتمال دارد با تأثیرات منفی ناشی از کاهش آب دریافتی امکان افزایش کانون‌های ایجاد ریزگردها و بیابان‌زایی را افزایش دهند. اگرچه ادعا می‌شود هورالعظیم تاکنون منشأ ایجاد ریزگردها نبوده است اما به نظر می‌رسد تالاب هورالهوریه نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده است. البته اثبات این ادعاها به منظور

پذیرش آن از سوی محاکم بین‌المللی، مستلزم بررسی‌های تجربی کافی و مستندسازی علمی و عینی است که در این زمینه باید از علوم محیطی مانند اکولوژی، خاک‌شناسی، آب‌شناسی و جغرافیای طبیعی کمک گرفت.

۳. اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

در فرایند تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و روند پیشرفت و تکامل قواعد آن، شماری از اصول به عنوان اصول بنیادین نقش به سزا داشته است. امروزه تقریباً همه اسناد بین‌المللی محیط‌زیستی الزام‌آور و غیر الزام‌آور شامل این اصول هستند یا به آن‌ها ارجاع می‌دهند و در واقع این اصول و مفاهیم موتورهای تکامل حقوق محیط‌زیست هستند و به طور گسترده‌ای، شالوده حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را تشکیل می‌دهند (کورکولاسوریا و رایینسون، ۱۳۹۰: ۹۶). این اصول این معنا کلی را دارند که به صورت بالقوه بر کلیه اعضای جامعه بین‌المللی قابل اعمال هستند (Sands, 2003: 231). هرچند که برخی اوقات اصول یادشده به طور متفاوتی اعمال می‌شوند اما در اکثر نظام‌های حقوقی جایگاه متنفذی دارند (شیلتون و کیس، ۱۳۹۴: ۷۲). تعدادی از این اصول با بهره‌برداری طرح‌های آبی در یک کشور و آثار مخربی که ممکن است برای محیط‌زیست کشور دیگر ایجاد کند، ارتباط دارد و می‌تواند مورد توجه و استناد قرار گیرد.

۱-۳. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت^۱

مفهوم مسئولیت مشترک اما متفاوت دولت‌ها در مقابله با چالش‌های محیط‌زیستی بین‌المللی از اساسی‌ترین مفاهیم در عرصه همکاری‌های بین‌المللی محیط‌زیستی است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۱۷۱-۱۷۰). این اصل از کلیه دولت‌ها می‌خواهد که در پاسخگویی بین‌المللی نسبت به مشکل و اتخاذ اقدامات برای توجه به آن مشارکت

1. The Principle of Common but Differentiated Responsibility (CBDR)

داشته باشند؛ اما، الزامات وضع شده بر دولت‌های مختلف باید با توجه به وضعیت توسعه اقتصادی و توانایی‌های آن‌ها متفاوت باشد (Kravchenko & et al., 2013: 53). اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت شامل دو رکن است: رکن نخست مربوط به مسئولیت مشترک دولت‌ها برای حفاظت از محیط‌زیست یا بخشی از آن در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی است. رکن دوم، مربوط به لزوم توجه به تفاوت در اوضاع و احوال به ویژه در ارتباط با سهم هر دولت در ایجاد یک مشکل خاص محیط‌زیستی و توانایی آن برای جلوگیری، کاهش و کنترل تهدید است (Sands, 2003: 286). این اصل که ریشه در مفهوم «میراث مشترک بشریت» دارد، ظهور خاص اصل کلی «انصاف» در حقوق بین‌الملل است. دلیل متفاوت بودن مسئولیت، سهم متفاوت در ایجاد مشکلات محیط‌زیستی به لحاظ تاریخی با استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی با الگوهای تولید و مصرف ناپایدار توسط کشورهای توسعه‌یافته و توانایی‌های مالی و فناوری این کشورها در جلوگیری، کنترل و کاهش مشکلات محیط‌زیستی توجیه می‌شود. در واقع نه تنها سهم متفاوت است بلکه ماهیت آن نیز متفاوت است. در تعیین مسئولیت‌های متفاوت عوامل زیادی مانند اوضاع و احوال، نیازهای خاص، توسعه اقتصادی کشورها، سهم تاریخی کشور یا گروهی از کشورها در ایجاد مشکلات محیط‌زیستی دخیل هستند (عبدلهی و معرفی، ۱۳۸۹: ۲۰۰-۲۰۳). کشورها در ارتباط با حفاظت از محیط‌زیست مسئولیت متفاوت دارند به این دلیل که هر کشوری در تخریب محیط‌زیست به یک میزان نقش ندارد و اینکه همه کشورها منابع یکسانی برای اختصاص دادن به مشکلات محیط‌زیستی ندارند (Louka, 2006: 54). در خصوص مسئولیت دولت‌ها برای مقابله با اثرات مخرب ریزگردها و جلوگیری از گسترش آن‌ها به طور اصولی کشورهای منشأ ضرر و کشورهای که به دلیل الگوهای ناصحیح مصرف باعث ایجاد چنین شرایطی شده‌اند، مسئولیت بیشتری نسبت به دیگر کشورها دارند (حسینی، ۱۳۹۱: ۸).

این اصل در عملکرد دولت‌ها در سطوح منطقه‌ای و جهانی مورد حمایت قرار گرفته است. در میان اسناد غیر الزام‌آور اصل ۲۳ اعلامیه استکهلم به گونه‌ای به این

اصل اشاره دارد و اصل ۷ اعلامیه ریو نیز در این زمینه اشعار می‌دارد: «گرچه در مورد مشارکت‌های متفاوت جهانی در زمینه رفع آلودگی محیط‌زیست همه کشورها مسئولیت مشترک دارند، اما مسئولیت هر یک از آن‌ها در قبال این امر متفاوت است». اصل ۱۵ بیانیه ریو+۲۰ در سال ۲۰۱۲، اصل ۲۸ اعلامیه کنفرانس توسعه اجتماعی کپنهاگ ۱۹۹۵، پاراگراف ۷ اعلامیه لیبزینگ در مورد حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی ۱۹۹۶، پاراگراف ۶۴ برنامه عمل جهانی در خصوص منابع ژنتیک حیوانی ۲۰۰۷، پاراگراف ۸۱ برنامه عمل ژوهانسبورگ در مورد توسعه پایدار نیز این اصل را مورد توجه قرار داده است.

علاوه بر این، در بین اسناد الزام‌آور انعکاس این اصل را می‌توان در بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی، ماده ۱۰ پروتکل کیوتو ۱۹۹۷، ماده ۵ پروتکل مونترال در مورد مواد نابودکننده لایه اوزون ۱۹۸۷، مواد ۶ و ۲۰ کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲، مواد ۵، ۶، ۷ و ۲۰ کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی ۱۹۹۴ مشاهده کرد. نهاد استیناف سازمان جهانی تجارت به طور ضمنی در قضایای میگو-لاک‌پشت^۱ و پنبه نسوز^۲ در استدلال‌های خود بر این اصل تأکید کرده است.

با توجه به این واقعیت که سد ایلیسو در قلمروی سرزمینی دولت ترکیه احداث و مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت، سهم این دولت در ایجاد مشکلات احتمالی محیط‌زیستی ناشی از این پروژه و توانایی این دولت برای جلوگیری، کاهش و کنترل این مشکلات بیشتر است. بر این اساس، آزادی دولت ترکیه برای انجام فعالیت یا اعطای مجوز در قلمروی سرزمینی خود نا محدود نیست. تکلیف رعایت اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت بر دوش صلاحیت سرزمینی دولت ترکیه گذاشته می‌شود. این اصل محیط‌زیستی، از دامنه اعمال اصل صلاحیت سرزمینی دولت ترکیه می‌کاهد تا در بهره‌برداری از منابع خود به ویژه در خصوص محیط زیست و توسعه مراقبت کند

1. Shrimp-Turtle Case, DS58, World Trade Organisation, Appellate Body, 2001

2. The EC-Asbestos Case, DS135, World Trade Organisation, Appellate Body, 2000

تا فعالیت‌های مربوط به حوزه صلاحیت آن، به محیط زیست دولت‌های دیگر آسیب وارد نکند.

اثر حقوقی تقدم اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت نسبت به اعمال اصل صلاحیت سرزمینی در خصوص سد ایلیسو این است که از دولتی که در بروز و تشدید احتمالی پدیده ریزگردها سهم بیشتری دارد می‌خواهد در پاسخگویی بین‌المللی به این موضوع مشارکت داشته باشد. چنین دولتی از تعهدات بین‌المللی متفاوتی نسبت به سایر دولت‌هایی که با بروز چنین پدیده‌ای مواجه می‌شوند برخوردار است. همچنین دولت مذکور باید در اجرای پروژه‌های ملی، مسئولیت خود را در حفاظت از محیط‌زیست در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی بپذیرد.

در خصوص قابلیت اجرایی و استناد به این اصل در محاکم بین‌المللی در برابر دولت ترکیه نیز باید خاطر نشان کرد، کلیه اسناد الزام‌آور مورد اشاره در بالا که متضمن اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت است، از سوی دولت ترکیه مورد تصویب قرار گرفته است.^۱ عدم رعایت این اصل از سوی دولت ترکیه را می‌توان به گونه‌ای نقض یک تعهد بین‌المللی محیط‌زیستی قلمداد کرد که می‌تواند مسئولیت بین‌المللی برای این دولت به همراه داشته باشد.

۲-۳. اصل تعهد دولت‌ها به اطلاع رسانی^۲

اصل اطلاع‌رسانی در خصوص خطراتی که ممکن است محیط‌زیست کشوری را تحت تأثیر قرار دهد، به عنوان یک وظیفه به دولت‌ها تکلیف شده است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۹۸). به طور کلی دولت‌ها تکلیف به تأمین اطلاعات و مشورت در خصوص اقداماتی که ممکن است آثار مخرب فرامرزی داشته باشد دارند.

۳. کنوانسیون تغییرات آب و هوایی در سال ۲۰۰۴، پروتکل کیوتو در سال ۲۰۰۹، پروتکل مونترال در سال ۱۹۹۱، کنوانسیون تنوع زیستی در سال ۱۹۹۷ و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی در سال ۱۹۹۸ از سوی دولت ترکیه تصویب شده است.

(Partan, 1988: 83 and Wolfrum, 1990: 313). مبادله اطلاعات و دسترسی به اطلاعات پیش‌نیاز اصل همکاری در حوزه محیط‌زیست است. در میان منابع غیر الزام‌آور، اصل ۲۰ اعلامیه استکهلم و اصول ۱۸ و ۱۹ اعلامیه ریو در مورد محیط‌زیست به تعهد کشورها در مورد اطلاع‌رسانی در شرایط اضطراری و فجایع محیط زیستی اشاره دارد. اطلاع‌رسانی سریع از جانب کشور منشأ ضرر باعث می‌شود کشورهای دیگر در به حداقل رساندن خسارات به محیط‌زیست خودشان یا مناطقی که خارج از صلاحیت آنها به شمار می‌رود موفق‌تر عمل کنند. در اسناد الزام‌آور متعدد بین‌المللی نیز به تعهد کشورها در مورد اطلاع‌رسانی در شرایط اضطراری و مواقعی که کشورها در حال انجام فعالیتی هستند که به احتمال زیاد اثرات فرامرزی خواهد داشت، اشاره شده است که از مهم‌ترین این اسناد می‌توان به کنوانسیون کمک‌رسانی به هنگام وقوع حادثه هسته‌ای یا فوریت رادیولوژیک ۱۹۸۶ و کنوانسیون اعلام فوری حادثه هسته‌ای ۱۹۸۶ (مواد ۲ و ۶) کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ (ماده ۱۹۸)، کنوانسیون مدیریت محیط‌زیستی آلاینده‌های آلی پایدار ۲۰۰۱ (ماده ۱۰)، کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست دریای خزر ۲۰۰۳ (مواد ۱۳، ۱۸ و ۲۱)، کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های گیاهان و جانوران وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی ۱۹۷۳ (مواد ۴ و ۵)، کنوانسیون بازل (ماده ۱۳)، کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ (ماده ۱۴)، پروتکل ایمنی زیستی (ماده ۱۷)، کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی و کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱ (مواد ۴ و ۵) اشاره کرد.

در صورتی که یک دولت در راستای اعمال اصل صلاحیت سرزمینی خود اقدام به ساخت و بهره‌برداری از یک پروژه ملی می‌کند اما از رهگذر این پروژه احتمال دارد دولت‌های دیگر در وضعیت اضطراری قرار گرفته و محیط‌زیست آن‌ها با خطرات احتمالی مواجه شود، دامنه اعمال اصل محدود خواهد شد. اثر حقوقی تقدم اصل اطلاع‌رسانی نسبت به اعمال اصل صلاحیت سرزمینی در خصوص سد ایلیسو این است که اگرچه دولت مورد نظر در اجرای این پروژه در راستای اعمال صلاحیت سرزمینی خود عمل می‌کند و در شرایط عادی نیازی به اطلاع‌رسانی به سایر دولت‌ها وجود

ندارد، اما در این مورد به دلیل اینکه احتمال دارد در نتیجه چنین فعالیتی خساراتی به دول ثالث وارد شود، باید سایر دولت‌ها را از نتایج و آثار فعالیت خود مطلع کند. در خصوص قابلیت اجرایی و استناد به این اصل در محاکم بین‌المللی در برابر دولت ترکیه نیز باید خاطر نشان کرد، برخی اسناد الزام آور مورد اشاره در بالا که متضمن اصل لزوم اطلاع‌رسانی است، از سوی دولت ترکیه مورد تصویب قرار گرفته است.^۱ عدم پایبندی دولت ترکیه به این اصل را می‌توان به گونه‌ای نقض تعهد بین‌المللی این دولت در عرصه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست قلمداد کرد که می‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی برای این دولت شود.

۳-۳. اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین (مسئولیت‌پذیری در قبال آسیب‌های فرامرزی)^۲

اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین در حقوق بین‌الملل از مقام و منزلت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. آبشخور اصلی قاعده استفاده غیر زیان‌بار را بایستی در حقوق روم جستجو کرد. این قاعده قدیمی مبین این است که از ملک خود چنان استفاده کن که به ملک دیگری صدمه وارد نکند. این قاعده کم‌کم توسط نظام‌های مختلف حقوقی اقتباس و در قوانین اساسی یا عادی درج شده است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۶: ۵۸). قبل از اینکه این اصل وارد حیطه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شود، در حقوق داخلی بسیاری از کشورها وجود داشته و این اصل در واقع، در حقوق بین‌الملل عمومی ریشه عرفی دارد (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۷۱). این اصل امروزه گسترده‌تر شده

۱. کنوانسیون کمک‌رسانی به هنگام وقوع حادثه هسته‌ای یا فوریت رادیولوژیک در سال ۱۹۹۱، کنوانسیون اعلام فوری حادثه هسته‌ای در سال ۱۹۹۱، کنوانسیون مدیریت محیط‌زیستی آلاینده‌های آلی پایدار در سال ۲۰۰۹، کنوانسیون تغییرات آب و هوایی در سال ۲۰۰۴، پروتکل کیوتو در سال ۲۰۰۹، پروتکل مونترال در سال ۱۹۹۱، کنوانسیون تنوع زیستی در سال ۱۹۹۷، و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی در سال ۱۹۹۸ از سوی دولت ترکیه تصویب شده است.

2. The Principle of non-harmful Use of Territory (Sic utere tuo ut alienum non laedas).

است و به طور کلی دولت‌ها را از آسیب فرامرزی منع می‌کند (Koivurova, 2014: 109). در حقوق بین‌الملل به طور عام توافق وجود دارد که [وارد کردن] خسارت فرامرزی ممنوع است. این ممنوعیت به طور اساسی تحت حقوق بین‌الملل عرفی توسعه یافته است (Wolfsum, 1990: 308-309). تکلیف دولت‌ها به عدم ایراد خسارت به سرزمین دولت دیگر از حاکمیت دولت‌ها ناشی می‌شود (Louka, 2006: 50). مطابق این اصل هر دولت متعهد است به نحوی عمل کند که فعالیت‌های انجام‌شده در سرزمین خود موجب زیان به دولت دیگر یا جایی که تحت حاکمیت هیچ دولتی نیست وارد نیاید. حق حاکمیت بهره‌برداری از منابع طبیعی به طور اساسی به صورت مطلق پذیرفته شده است ولی نحوه اعمال این حق دیگر از آن قدرت اطلاق نخستین برخوردار نیست؛ زیرا دامنه اعمال حقوق حاکمه به عدم ورود خسارت به سایر دول و مناطقی که تحت حاکمیت و نظارت دولت خاصی نیست، محدود می‌شود. پس هر کشوری به طور کلی می‌تواند صلاحیت‌های سرزمینی خود را بی‌کم و کاست اعمال کند. برعکس، اعمال این حق نمی‌تواند بهانه‌ای جهت ورود زیان به سایر دول باشد؛ چه این‌که قلمروی دولتی که محیط‌زیست آن آلوده شده است به اندازه دولتی که حقوق حاکمه خود را بر منابع طبیعی اعمال می‌کند، اهمیت دارد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۶: ۶۳).

دولت‌ها نه تنها مسئول فعالیت‌های خودشان هستند بلکه همچنین نسبت به همه فعالیت‌های خصوصی و عمومی در حیطه صلاحیت یا نظارت آن‌ها مسئولیت دارند تا بتوانند از ورود خسارت به محیط‌زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از حیطه صلاحیت ملی آن‌ها محافظت کنند (کورکولاسوریا و راینسون، ۱۳۹۰: ۱۰۶). اصل تعهد به مراقبت یک از اصولی است که ارتباط نزدیکی با اصل مسئولیت‌پذیری در قبال آسیب‌های فرامرزی و اصل حسن هم‌جواری دارد. در خصوص ماهیت حقوقی اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین، بین حقوق‌دانان بین‌المللی اختلاف نظر وجود دارد. برخی از نویسندگان حقوق بین‌الملل، اصل مذکور را عرفی قلمداد می‌کنند در حالی که برخی دیگر معتقدند نمی‌توان به صراحت از عرفی بودن این اصل سخن گفت

(وثوقی فرد، ۱۳۹۲: ۱۵۴).

در بین اسناد غیر الزام‌آور اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم، اصول ۲ و ۱۹ اعلامیه ریو، حرف د پاراگراف ۲۱ منشور جهانی طبیعت، ماده ۲ قطعنامه آلودگی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و حقوق بین‌الملل (که در اجلاس ۱۹۷۲ آتن توسط موسسه حقوق بین‌الملل تصویب شد)، مقدمه قطعنامه مسئولیت در حقوق بین‌الملل در قبال خسارات وارده به محیط‌زیست (که در اجلاس ۱۹۹۷ توسط موسسه حقوق بین‌الملل تصویب شد)، ماده ۳ پیش‌نویس مواد مربوط به منع خسارات مرزگذر در نتیجه فعالیت‌های زیان‌بار، به اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین اشاره کرده‌اند. ماده ۳ کنوانسیون تنوع زیستی و مقدمه کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی، ماده ۱۰ معاهده مودت و همکاری جنوب شرق آسیا، کنوانسیون ۲۰۰۱ استکهلم در مورد آلاینده‌های ارگانیک پایدار و پروتکل ۱۹۹۹ در خصوص آب و سلامت هم از منابع الزام‌آوری هستند که به این اصل تأکید کرده‌اند.

اصل مذکور در آرای صادره از سوی محاکم دآوری و قضائی بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در آموزه‌های حقوقی، برجسته‌ترین نتیجه رأی دآوری تریل اسملتر (Trail Smelter, 1938 and 1941, 3 RIAA) اختلاف بین ایالات متحده و کانادا، اصل «استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین» اعلام شده است. در قضیه دریاچه لانو، اختلاف بین فرانسه و اسپانیا، دیوان دآوری اعمال حاکمیت درون سرزمینی را در صورتی که باعث بروز خسارت به محیط‌زیست کشور دیگر شود، غیرمجاز اعلام کرد (Lake Lanoux, 1957, 12 RIAA, P.281).

دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در آرای مختلف به اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین اشاره کرده است. در قضیه کانال کورفو اختلاف بین آلبانی و انگلستان، دیوان به تعهد هر دولت مبنی بر عدم استفاده از سرزمین خود برای اهدافی که در تضاد با حقوق سایر دولت‌هاست تأکید کرد (Corfu Channel case, 1949, ICJ Reports:22). در نظریه مشورتی مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای نیز دیوان بین‌المللی

دادگستری به گونه‌ای در پاراگراف ۲۹، اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین را مورد اشاره قرار داده است (Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 1996, I.C.J. Reports 1996: 241-242).

اگرچه احداث سد و بهره‌برداری از طرح‌های آبی از سوی دولت‌ها در راستای اعمال حاکمیت آن‌ها بر قلمروی سرزمینی خود محسوب می‌شود، لیکن این اعمال حاکمیت بی حد و مرز نیست و بر مبنای اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین، محدودیت‌هایی بر آن حاکم است. اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین در زمره قواعد حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شود. (Kiss, 2003: 59, Hunter & et al, 2006: 465 & D'Amato & Engel, 1997: 20-21) دولت ترکیه در بهره‌برداری از سد ایلیسو باید این نکته را مدنظر قرار دهد که احداث این سد، احتمالاً آثار مخرب و عمده فرامرزی را برای محیط‌زیست کشورهای همسایه به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران به همراه خواهد داشت که لزوم پایبندی به اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین را مورد مناقشه قرار می‌دهد. این دیدگاه که حقوق بین‌الملل از رویکردی حمایت می‌کند که یک دولت در قلمروی سرزمینی خود قادر به هر نوع اعمال صلاحیت صرف‌نظر از نتایج آن بر سایر دولت‌هاست، امروزه فاقد اعتبار است. این واقعیت بر اولویت و تقدم رعایت اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نسبت به اعمال صلاحیت‌های سرزمینی در اجرای پروژه‌های ملی دلالت دارد.

اثر حقوقی تقدم اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین نسبت به اعمال اصل صلاحیت سرزمینی در خصوص سد ایلیسو، این است که دولت ترکیه نمی‌تواند اقدام به بهره‌برداری از پروژه‌ای کند که آثار احتمالی آن، سرزمین دول ثالث را دچار خسارت‌های احتمالی محیط‌زیستی می‌کند؛ بنابراین، تصمیم به بهره‌برداری از سد ایلیسو در صورتی که آثار مخرب محیط‌زیستی برای سرزمین سایر دولت‌ها به همراه داشته باشد در مغایرت با تعهد دولت ترکیه مبنی بر جلوگیری از بروز خسارات فرامرزی است.

در خصوص قابلیت اجرایی و استناد به این اصل در محاکم بین‌المللی در برابر دولت ترکیه نیز باید خاطر نشان کرد، حتی اگر نپذیریم که اصل مذکور به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی مبدل شده است، برخی اسناد الزام آور مورد اشاره در بالا که متضمن اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین است از سوی دولت ترکیه مورد تصویب قرار گرفته است.^۱ نادیده گرفتن این اصل از سوی دولت ترکیه را می‌توان به گونه‌ای یک رفتار مغایر با تعهد بین‌المللی محیط‌زیستی قلمداد کرد که نتیجه آن مسئولیت بین‌المللی برای این دولت خواهد بود.

۴-۳. اصل اقدامات احتیاطی^۲

احتیاط برای حفاظت محیط زیست ضروری است و در نتیجه به یکی از رایج‌ترین مفاهیم تشویق و ترغیب شده حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تبدیل شده است (پورهایمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۱۱۰). در مواردی که احتمال ورود خسارت و آسیب به محیط‌زیست وجود داشته باشد، اجرای اصل اقدامات احتیاطی ضروری است. رویکرد پیشگیرانه مبتنی بر این ایده است که جلوگیری از خسارت محیط زیستی از به‌کارگیری اقداماتی پس از آن برای ترمیم محیط‌زیست بهتر است (Louka, 2006: 50). اصل اقدامات احتیاطی از جمله اصول مهم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است که برای نخستین بار در کنفرانس دریای شمال در سال ۱۹۸۴ میلادی مطرح شد (طلایی و دریادل، ۱۳۹۴: ۲۹۷). در سطح ملی حقوق آلمان، نخستین نظام حقوقی به شمار می‌آید که این مفهوم را در قالب سیاست محیط زیستی آلمان غربی به صراحت تحت عنوان «اصول احتیاطی»^۳ در سال ۱۹۷۰ به کاربرد (Hafner & Buffard, 2010: 526 and Sadeleer, 2000: 144-151).

اصل تکلیف دولت‌ها در حفاظت از محیط‌زیست از راه اتخاذ تدابیر احتیاطی و

۱. کنوانسیون مدیریت محیط زیستی آلاینده‌های آلی پایدار در سال ۲۰۰۹ و کنوانسیون تنوع زیستی در سال ۱۹۹۷ از سوی دولت ترکیه تصویب شده است.

2. The Precautionary Principle.

3. Vorsorgeprinzip.

پیشگیرانه دارای دو جنبه سلبی و ایجابی است. وجه سلبی آن، دولت‌ها را متعهد می‌سازد که از وارد آوردن خسارت به محیط‌زیست بپرهیزند و در وجه ایجابی آن، دولت‌ها را موظف به حفاظت از محیط‌زیست خود می‌کند. از سوی دیگر، دولت‌ها ملزم هستند که در خارج از حوزه صلاحیت ملی خود و در مناطقی مانند قطب جنوب و دریاهای آزاد و در ارتباط با محیط‌زیست کشورهای دیگر به این اصل احترام بگذارند و توجه کنند (طوفان، ۱۳۸۹: ۹۴۸). هدف اصل اقدامات احتیاطی ارائه راهبرد برای توسعه و اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در مواردی که عدم قطعیت علمی وجود دارد، است (Sands, 2003: 267).

دو پایه اصلی برای بیان مفهوم اصل اقدامات احتیاطی، یکی ضرورت پیش‌بینی کردن خطر قبل از اینکه حادث شود و دیگری ایجاد یک وظیفه برای ممانعت یا کاهش خطر حتی در مواردی که فقدان دلایل قطعی علمی وجود داشته باشد، است (پورهاشمی و زارع، ۱۳۹۴: ۱۲۰). اصل احتیاط به این مفهوم است که کشورها بایستی از فعالیت‌هایی که تأثیر آن‌ها بر محیط‌زیست از لحاظ علمی نامشخص است اجتناب کنند. از آنجایی که برخی صدمات وارده بر محیط‌زیست غیرقابل جبران هستند، بهترین کار می‌تواند این باشد که دولت‌ها قبل از وارد شدن آسیب به محیط‌زیست از آن جلوگیری کنند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

این اصل به طور گسترده‌ای در عملکرد دولت‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. در میان منابع غیر الزام‌آور، اصول ۶، ۷، ۱۵، ۱۸ و ۲۴ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، اصول ۱۱، ۱۴ و ۱۵ اعلامیه ریو ۱۹۹۲^۱ ماده ۷ اعلامیه لندن ۱۹۸۷ و بندهای الف و ب ماده ۱۱ منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲ و اعلامیه وزارتی برژن ۱۹۹۰ و اعلامیه وینگ اسپرد ۱۹۹۸، ماده ۳ دستورالعمل شماره ۴۳/۹۲ شورای اروپا ۱۹۹۲ و راهبرد حمایت از تنوع

۱. اصل ۱۵ اعلامیه ریو اشعار می‌دارد: «دولت‌ها برای حفاظت از محیط‌زیست می‌بایست برحسب توان خویش، اقدامات و تدابیر احتیاطی و پیشگیرانه وسیعی را مبذول کنند. در مواردی که خطر ایجاد صدمات جدی یا جبران ناپذیر به محیط‌زیست وجود دارد، عدم یقین کافی و دلایل قطعی علمی نباید مستمسکی جهت به تعویق انداختن اقدامات پرهزینه‌ای که لازمه جلوگیری از تخریب محیط‌زیست است شود».

زیستی اروپا (صوفیه) ۱۹۹۵، به گونه‌ای به این اصل اشاره کرده‌اند. علاوه بر اسناد غیر الزام‌آور یادشده، برخی از اسناد حقوقی الزام‌آور نیز بر این اصل صحه گذاشتند. کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریا از طریق تخلیه مواد زائد و سایر مواد ۱۹۷۲^۱ و کنوانسیون جلوگیری از آلودگی کشتی‌ها ۱۹۷۳^۲ جلوه بارزی از اعمال اصل اقدامات احتیاطی است. کنوانسیون باماکو ۱۹۹۱ و کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست دریایی منطقه دریای بالتیک ۱۹۹۲ نیز اصل مذکور را مورد توجه قرار داده است. بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی ۱۹۹۲، ماده ۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با بیابان‌زایی ۱۹۹۴، مقدمه کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اوزون ۱۹۸۵، مقدمه پروتکل مونترال در خصوص مواد مخرب لایه اوزون، پروتکل ایمنی زیستی کارتاگنا ۲۰۰۰ (به تفصیل در مواد متعددی نظیر ماده ۱، بند ۶ ماده ۱۰، بند ۸ ماده ۱۱ بند ۵ ماده ۱۶ و ماده ۱۷)، ماده ۱ کنوانسیون آلاینده‌های آلی پایدار ۲۰۰۱، حرف الف بند ۵ ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۹۲ هلسینکی راجع به استفاده از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی، مواد ۱۴۵ و ۲۰۴ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی ۱۹۷۹، مواد ۵ و ۱۱ کنوانسیون حفاظت از محیط‌زیست دریای خزر ۲۰۰۳ نیز بر اصل اقدامات احتیاطی تأکید کرده‌اند. اصل اقدامات احتیاطی به طور ضمنی در دعاوی تریل اسملتر، دریاچه لانو، سرزمین‌های فسفات در نائورو و آزمایش‌های هسته‌ای مورد توجه قرار گرفته است. همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکو و ناگی ماروس معتقد بود: «یک دولت باید تعهدات خود را درجایی که هیچ دلیلی وجود ندارد که چنین اقداماتی منجر به آسیب‌های عمده می‌شود، ایفا کند» (Case Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia.), 1997 I.C.J. P.42.^۳ دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در

1. Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter.

2. Convention on the Prevention of Pollution from Ships (MARPOL).

۳. قاضی ویرامانتری در نظریه مخالف خود در قضیه گابچیکو و ناگی ماروس اعلام کرد: «اصل احتیاط در حال به دست آوردن حمایتی رو به رشد به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است».

قضیه ماهی تن بلوفین جنوبی در قالب صدور دستوری خواستار رعایت اصل اقدامات احتیاطی شد (Southern Blufin Tuna Case (New Zealand v. Japan; Australia v. Japan) (Provisional Measures, ITLOS, Cases No 3-4, 27 August 1999, Paras 77-79). همچنین در قضیه موکس اصل اقدامات احتیاطی یکی از مبانی ادعای دولت ایرلند بود (The MOX Plant Case (Ireland v. United Kingdom), Provisional Measures, Order of 3) (December 2001 Paras. 75 and 81-84) در قضیه جوهور اختلاف بین مالزی و سنگاپور نیز اصل اقدامات احتیاطی مورد توجه دیوان بین‌الملل حقوق دریاها قرار گرفت (Concerning Land Reclamation by Singapore in and Around the Straits of Johor (Malaysia v. Singapore), ITLOS, Order of 8 October 2003, Paras. 97 and 99). دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه تاتار علیه رومانی به این اصل استناد کرده است (Tatar v. Romania (App No 67021/01) ECHR, Judgement, 27 (January 2009, Paras.) (109)) (120) و نهاد استیناف سازمان جهانی تجارت نیز در قضیه گوشت‌های هورمونی (EC-Hormones, WTO Appellate Body, EC) (Measures Concerning Meat and Meat Products,) (WT/DS48/AB/R, 16 January 1998, Paras. 121-124). دیوان دادگستری اروپایی نیز در برخی از قضایا بر این اصل تأکید کرده است.^۱

در زمان تصویب اعلامیه ریو، درج اصل اقدامات احتیاطی به اتفاق آرا مورد تأیید قرار گرفت و جامعه اروپا نیز در قضیه گوشت‌های هورمونی اصل مذکور دارای ویژگی حقوق بین‌الملل عرفی قلمداد کرده است^۲ (اگرچه ایالات متحده و کانادا مخالف چنین دیدگاهی هستند و معتقد به وجود رویکرد احتیاطی هستند و نه اصل احتیاطی). درحالی‌که بررسی عملکرد دولت‌ها ممکن است حاکی از آن باشد که ماهیت اصل اقدامات احتیاطی در حقوق بین‌الملل همچنان یک معماست (Fitzmaurice, 2009: 62)، اما به نظر می‌رسد اصل مذکور به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی جدید مبدل شده است

1. See: Case C 180/96, United Kingdom v. Commission, [1996] ECR I- 3903, Para. 83; Case T-76/96 R, National Farmers' Union (NFU) [1996] ECR II-815, Paras. 63&88; Case E-300, EFTA Surveillance Authority v. Norway, Paras. 16 & 21.
2. See: Case EC Measures Concerning Meat and Meat Products (Hormones Case), WTO Doc. WT/ DS48/AB/R, (16 January 1998), Para.16.

هرچند در ارتباط با برخی از ویژگی‌های این اصل، اختلاف نظرهایی وجود دارد (McIntyre & Mosedale, 1997:221-241; D'Amato & Engel, 1997: 20-22; Freestone, 1999: 26; Bodansky, 1995: 105; Cameron & Abouchar, 1991: 20-21; Fitzmaurice, 2009: 4-66). با توجه به ابهامات موجود در خصوص آثار محیط‌زیستی سدسازی دولت ترکیه، این اصل باید بیش از پیش مورد توجه واقع شده و به کار آید.

بدیهی است اگر آثار سوء قابل توجه بهره‌برداری از سد ایلیسو قطعیت پیدا کند، دولت ترکیه باید این پروژه را متوقف کند و از ادامه آن جلوگیری کند. اثر حقوقی تقدم اصل اقدامات احتیاطی نسبت به اعمال اصل صلاحیت سرزمینی در خصوص سد ایلیسو این است که عدم قطعیت در ارتباط با خطرات محیط‌زیستی بهره‌برداری از سد ایجاب می‌کند دولت ترکیه اقدام فوری جهت ممانعت یا کاهش صدمات احتمالی به محیط‌زیست اتخاذ کند. به عبارت دیگر، دولت ترکیه در شرایط عدم قطعیت باید اقدامات حفاظتی مؤثری جهت پیشگیری از خسارات احتمالی این سد و به حداقل رساندن خطرات احتمالی را در دستور کار خود قرار دهد. همچنین، دولت ترکیه باید از فعالیت‌های مرتبط با این پروژه که به صورت بالقوه آثار نامطلوبی برای محیط زیست سایر دولت‌ها به همراه دارد پرهیز کرده و سازوکاری برای کنترل آثار زیان‌بار احتمالی طراحی کند.

در خصوص قابلیت اجرایی و استناد به این اصل در محاکم بین‌المللی در برابر دولت ترکیه نیز باید خاطر نشان کرد، به نظر می‌رسد که اصل مذکور به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی مبدل شده است و علاوه بر آن، برخی اسناد الزام آور مورد اشاره در بالا که متضمن اصل اقدامات احتیاطی است از سوی دولت ترکیه مورد تصویب قرار گرفته است.^۱ عدم رعایت این اصل از سوی دولت ترکیه را می‌توان نقض یک تعهد

۱. کنوانسیون جلوگیری از آلودگی کشتی‌ها در سال ۲۰۱۲، کنوانسیون تغییرات آب و هوایی در سال ۲۰۰۴، کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی در سال ۱۹۹۸، پروتکل ایمنی زیستی کارتاها در سال ۲۰۰۳، کنوانسیون مدیریت محیط‌زیستی آلاینده‌های آلی پایدار در سال ۲۰۰۹ و کنوانسیون تنوع زیستی در سال ۱۹۹۷ از سوی دولت ترکیه تصویب شده است.

بین‌المللی محیط‌زیستی قلمداد کرد که می‌تواند مسئولیت بین‌المللی برای این دولت به همراه داشته باشد.

۵-۳. اصل پیشگیری^۱

خصیصه غالباً جبران‌ناپذیر خسارات وارده به محیط‌زیست، مقتضی پیشگیری از حادثه است (کک دین و دیگران، ۱۳۸۳: ۹۴۷). تجربه و تخصص علمی نشان داده است که ممانعت از خطر محیط‌زیستی هم به دلایل اقتصادی و هم به دلایل اکولوژیک به عنوان یک «قانون طلایی» محسوب می‌شود. هدف بسیاری از اسناد بین‌المللی محیط‌زیستی پیشگیری از صدمه به محیط‌زیست است، خواه آن‌ها (اسناد) نگران آلودگی دریا، آب‌های داخلی، جو، خاک و یا نگران حفاظت از حیات بشر و منابع زنده باشند (کوروکولا سوریا و رایبسون، ۱۳۹۰: ۱۱۹-۱۱۷). اقدامات پیشگیرانه وابسته به ظهور مشکلات اکولوژیک نیست، این اقدامات خسارت را پیش‌بینی می‌کنند یا در جایی که خسارت از قبل رخ داده است تلاش می‌کنند تا عدم گسترش آن را تضمین کنند (Sadeleer, 2010:182).

مبنای اصل پیشگیری در حقوق بین‌الملل را باید در کنوانسیون‌های چندجانبه و دوجانبه‌ای جستجو کرد که قصد تضمین حمایت محیط‌زیستی را دارند. گسترش سازوکارهای پیشگیری در چنین کنوانسیون‌هایی نقشی اساسی در جلوگیری و اثربخشی این اصل دارند. به همین دلیل است که اسناد بین‌المللی مختلف این اصل را مورد تأکید خود قرار داده‌اند. در میان اسناد غیر الزام‌آور می‌توان به اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم و اصل ۲ اعلامیه ریو اشاره کرد. در اسناد الزام‌آور بین‌المللی نیز این اصل مورد توجه قرار گرفته است که از جمله می‌توان به کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ (مواد ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۴ و ۲۰۷ الی ۲۱۲)، کنوانسیون نیویورک در مورد استفاده‌های غیر کشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی ۱۹۹۷ (ماده ۲۱)، کنوانسیون حفاظت از لایه ازن ۱۹۸۵

1. The Principle of Prevention.

(حرف ب بند ۲ ماده ۲)، کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ (ماده ۱۴)، کنوانسیون هلسینکی در مورد آثار فرامرزی حوادث صنعتی ۱۹۹۲ (بند ۱ ماده ۳) و موافقت‌نامه ملل متحد در مورد ذخایر ماهی ۱۹۹۵ (ماده ۵) اشاره کرد.

در رویه قضایی بین‌المللی آرای متعددی به این اصل توجه کرده‌اند.^۱ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکوو-ناگی ماروس اختلاف بین مجارستان و اسلواکی، در پاراگراف ۱۴۰ رأی خود خاطرنشان کرد: «دیوان اذعان دارد که در قلمروی حمایت از محیط‌زیست، به دلیل ویژگی اغلب غیرقابل برگشت‌پذیر خسارات وارده به آن و محدودیت‌های مرتبط با سازوکار جبران این‌گونه خسارات، مراقبت و پیشگیری امری اجباری است». علاوه بر این، دیوان در قضیه کارخانه خمیرکاغذ، اختلاف بین آرژانتین و اروگوئه در پاراگراف ۱۰۱ رأی خود خاطرنشان ساخته است: «اصل پیشگیری به عنوان یک قاعده عرفی، ریشه در دقت لازمی دارد که از یک دولت در سرزمینش خواسته شده است. این تعهد هر دولت است که اجازه ندهد آگاهانه از سرزمین آن برای اعمال مغایر با حقوق سایر دولت‌ها استفاده شود. بنابراین، یک دولت متعهد است از کلیه ابزارهای لازم که در اختیار دارد برای جلوگیری از اقداماتی که در سرزمینش یا هر منطقه تحت صلاحیتش منجر به خسارت عمده به محیط‌زیست دولت دیگر می‌شود، استفاده کند». توجه دیوان به اصل پیشگیری در قضیه کارخانه خمیرکاغذ نشان از اهمیت روزافزون این اصل در روابط بین‌الملل و محیط زیست بین‌المللی دارد، زیرا دیوان به شکل ویژه درصدد تأکید بر آن و عرفی قلمداد کردن این اصل برآمده است که ناشی از رویه و اعتقاد حقوقی ایجادشده در آرای بین‌المللی است (موسوی، حسینی و موسوی فر، ۱۳۹۴: ۱۶). در قضیه سم‌پاشی هوایی اختلاف بین اکوادور و کلمبیا، اعتراض مردم مناطق مرزی اکوادور به استفاده از ماده سمی گلیفست منتهی به

1. Leatch v. National Parks and Wildlife Service and Shoalhaven City Council 81LGERA 270 (1993, Australia); Greenpeace Australi Ltd v. Redbank Power Company Pty. Ltd. And Singleton Council 86 LGERA 143 (1994, Australia); Vellor Citizens Welfare Forum v. Union of India AIR 1996 SC 2715; Shela Zia v. WAPDA Vol. XLVI All Pakistan Legal Decisions 693.

طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری شد. در این قضیه، دولت اکوادور ادعا کرده بود که دولت کلمبیا تعهدات بین‌المللی خود در قالب اصل پیشگیری و احتیاط را رعایت نکرده است و با اقدام به سم‌پاشی منجر به ورود خسارت به مردم، کشاورزی و محیط‌زیست طبیعی اکوادور شده است. البته دولت اکوادور در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۳ و با استناد به ماده ۸۹ قواعد دیوان و موافقت‌نامه منعقد شده در ۹ سپتامبر ۲۰۱۳ بین کلمبیا و اکوادور، از دیوان درخواست کرد که رسیدگی را ادامه ندهد و رئیس دیوان نیز در ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۳ با صدور قرار موقوت موضوع را از فهرست قضایای دیوان خارج کرد (Case Concerning Aerial Herbicide Spraying, Ecuador v. Colombia).

یکی از ابزارهای اطمینان بخشی که تعهدی است که از اصل پیشگیری سرچشمه می‌گیرد، ارزیابی آثار محیط‌زیستی^۱ است. انجام ارزیابی‌های محیط‌زیستی در مراحل نخستین برنامه‌ریزی و طراحی یک پروژه می‌تواند کمک کند تا توسعه به روشی صورت گیرد که به بهترین نحو با محیط‌زیست مکان انجام پروژه سازگار شود و همچنین بهترین پاسخ نسبت به نیازهای انسان را تأمین کند (کورکولاسوریا و رایبسون، ۱۳۹۰: ۷۳۷). امروزه اسناد بین‌المللی به طور معمول مقرر می‌کنند که دولت‌ها در مراحل نخستین، نباید بدون بررسی قبلی آثار محیط‌زیستی فعالیت‌های دارای احتمال خطرات محیط‌زیستی، چنین فعالیت‌هایی را انجام داده یا اجازه بدهند (شیلتون و کیس، ۱۳۹۴: ۱۰۶). موارد متعددی وجود دارد که ممکن است اقدامات و فعالیت‌های یک دولت آثار خطرناک و زیان‌بار عمده‌ای برای محیط‌زیست دولت یا دولت‌های دیگر ایجاد کند. در این‌گونه موارد، نقش ارزیابی‌های محیط‌زیستی فرامرزی در جلوگیری از خسارت به محیط‌زیست سایر دولت‌ها انکارناپذیر است.

ارزیابی اثرات محیط‌زیستی به عنوان یک ابزار مدیریتی باید در تمام مراحل اجرایی پروژه مشارکت کند و در تصمیم‌گیری‌های مربوط به هر مرحله دخالت داده شود. بدین ترتیب، باید کلیه اطلاعات محیط‌زیستی مربوط به مراحل مختلف اجرای

1. Environmental Impact Assessments (EIA)

پروژه در زمان مناسب تهیه و به تصمیم‌گیرندگان ارائه شود. باید ارتباط دائمی متقابل و دادوستد اطلاعات بین تیم ارزیابی و طراحان پروژه و پیشنهاد دهندگان آن برقرار باشد. این ارتباط سبب می‌شود که تغییرات لازم در مرحله طراحی یا برای تعیین محل استقرار پروژه اعمال شود. منظور از این کار، پیشگیری و به حداقل رساندن اثرات نامطلوب پروژه‌ها در هر یک از مراحل اجرا است (خدابنده دیزج تکیه، ۱۳۸۷: ۷۵).

اصول ۱۴ و ۱۵ اعلامیه استکهلم به صورت غیرمستقیم به این موضوع اشاره دارد. اصل ۱۷ اعلامیه ریو، سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا ۱۹۷۵، دستورالعمل شماره ۳۳۷ جامعه اروپا ۱۹۸۵، اهداف و اصول ارزیابی آثار محیط‌زیستی ۱۹۸۷ ملل متحد، اهداف اصول ارزیابی آثار محیط‌زیستی ۱۹۸۷ یونپ، دستورالعمل ارزیابی آثار محیط‌زیستی ۱۹۸۹ بانک جهانی، دستورالعمل ۲۱ پیش‌نویس مواد مربوط به پیشگیری از خسارات فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک ۲۰۰۱ و دستورالعمل ارزیابی استراتژیک محیط زیستی ۲۰۰۱ جامعه اروپا در زمره اسناد غیر الزام‌آوری است که به ارزیابی آثار محیط زیستی اشاره کرده است. در میان اسناد الزام‌آور، کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری در مورد حفاظت از محیط‌زیست دریایی ۱۹۷۸ نخستین سندی است که ارزیابی آثار محیط‌زیستی را مورد توجه قرار داده است. همچنین کنوانسیون ایبجان^۱ و لیما^۲ ۱۹۸۱ و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها (ماده ۲۰۵) نیز به این موضوع پرداخته‌اند. ارزیابی آثار محیط‌زیستی در کنوانسیون ۱۹۹۱ اسپو در مورد ارزیابی تأثیر محیط‌زیستی در سیاق فرامرزی، کنوانسیون ۱۹۹۲ در مورد تأثیرات فرامرزی حوادث صنعتی (ماده ۴)، پروتکل ۱۹۹۱ مادرید در مورد معاهده جنوبگان (ماده ۸)، کنوانسیون ۱۹۹۳ تنوع زیستی (مواد ۲، ۳ و ۱۴)، موافقت‌نامه ۱۹۹۳ آمریکای شمالی در مورد همکاری محیط‌زیستی، کنوانسیون ۱۹۷۶ بارسلون در مورد حفاظت

۱. کنوانسیون برای همکاری در حفاظت و توسعه محیط‌زیست دریایی و ساحلی غرب و منطقه افریقای مرکزی (ماده ۱۳).

۲. کنوانسیون برای حفاظت از محیط‌زیست دریایی و مناطق ساحلی جنوب شرقی اقیانوس آرام (ماده ۸).

دریای مدیترانه علیه آلودگی، پروتکل ارزیابی استراتژیک محیط‌زیستی کی یف ۲۰۰۳^۱ و مقررات برلین ۲۰۰۴^۲ نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه کمیسیون بین‌المللی رود ادر به گونه‌ای این موضوع را مورد توجه قرار داده است *Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Oder, Judgment No. 16, 1929, (P.C.I.J. Series) A, No. 23, P. 27*. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سد گابچیگوو- ناگی ماروس، اختلاف بین مجارستان و اسلواکی در پاراگراف ۱۴۰ رأی خود، به موضوع ارزیابی خطرات محیط‌زیستی اشاره کرده است. در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای نیز قاضی ویرامانتری و قاضی پالمر در نظریات جداگانه خود، به ارزیابی آثار محیط زیستی تأکید کردند. علاوه بر این، دیوان در قضیه کارخانه خمیرکاغذ، اختلاف بین آرژانتین و اروگوئه در سال ۲۰۱۰ در پاراگراف ۲۰۴ رأی خود اشعار داشته است: «رویه‌ای وجود دارد که در سال‌های اخیر از چنان مقبولیتی بین دولت‌ها برخوردار شده است که می‌توان آن را در حال حاضر یک شرط حقوق بین‌الملل عام قلمداد کرد که بر اساس آن ارزیابی آثار محیط زیستی در جایی که خطری در خصوص فعالیت صنعتی پیشنهادی وجود دارد که ممکن است آثار مخرب عمده‌ای در چارچوب فرامرزی وجود

۱. پروتکل ارزیابی استراتژیک محیط‌زیستی ۲۰۰۳ که در سال ۲۰۱۰ لازم‌الاجرا شده است و در حال حاضر ۳۲ عضو دارد، دول عضو را ملزم کرده است که به ارزیابی عواقب محیط‌زیستی طرح‌ها و برنامه‌های توسعه که آن‌ها به صورت رسمی پیشنهاد داده‌اند بپردازند. این پروتکل نه تنها ارزیابی آثار محیط زیستی طرح‌ها را پوشش می‌دهد بلکه بر آثار این طرح‌ها بر سلامت بشری نیز تأکید کرده است. علاوه بر این، پروتکل مذکور تصمیمات در خصوص طرح‌ها و برنامه‌ها را ملزم به در نظر گرفتن دقیق نتایج ارزیابی‌های آثار محیط زیستی و همچنین پیشنهادها و نظرهایی که نهادهای محیط زیستی، بهداشتی و عموم جامعه و کشورهای تأثیرپذیر ارائه می‌دهند، کرده است.

۲. بند ۱ ماده ۲۹ مقررات برلین ۲۰۰۴ در خصوص منابع آبی به تعهد دولت‌ها در خصوص ارزیابی آثار محیط زیستی، قبل و در جریان برنامه‌ها، طرح‌ها و اقداماتی که ممکن است تأثیر عمده‌ای بر محیط‌زیست آبی یا توسعه پایدار آب‌ها داشته باشد، اشاره کرده است. در میان عواملی که باید آثار آن ارزیابی شود، مواردی همچون آثار بر سلامتی و ایمنی بشر، آثار بر محیط زیست، آثار بر فعالیت‌های اقتصادی موجود و در آینده، آثار بر شرایط فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی و آثار بر پایداری استفاده از آب‌ها در بند ۲ ماده ۲۹ مقررات برلین مورد اشاره قرار گرفته است.

داشته باشد، باید انجام شود». همچنین در پاراگراف ۲۰۵ رأی خود اعلام کرده است: «ارزیابی آثار محیط‌زیستی باید قبل از اجرای یک پروژه انجام شود. علاوه بر این، به محض آغاز عملیات و در جایی که لازم باشد، در طول پروژه نیز نظارت مستمر نسبت به آثار آن پروژه در قبال محیط‌زیست باید صورت پذیرد». پنل داوری مرکز حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری نیز در قضیه *Emilio Agustín Maffezini v. Kingdom of Spain*, 2001, Para. 67. مشابه چنین رویکردی را دیوان داوری در قضیه راه آهن راین اختلاف بین بلژیک و هلند در سال ۲۰۰۵ اتخاذ کرد و خاطر نشان کرد: «حقوق بین‌الملل و حقوق اتحادیه اروپا خواستار یکپارچگی اقدامات محیط‌زیستی مقتضی در طراحی و اجرای فعالیت‌های توسعه اقتصادی است» (Arbitration regarding the Iron Rhine ("Ijzeren Rijn") Railway between the Kingdom of Belgium and the Kingdom of the Netherlands, 2005, Para. 59). قضات دیوان بین‌المللی حقوق دریاها نیز در نظریات جداگانه خود در قضیه *MOX Plant case* (Separate Opinion Judge Mensah and. (Separate Order) concerning provisional measures), Separate Opinion Judge Szekely, 2002, Paras. 12-17. ضمیمه ۲ کنوانسیون ۱۹۹۱ اسپو و دستورالعمل‌های بانک جهانی و برنامه محیط‌زیست ملل متحد حاوی شیوه‌های اعمال، آئین و محتوای ارزیابی‌های محیط‌زیستی فرامرزی است، اما آنچه به صورت عام پذیرفته شده این است که حقوق بین‌الملل تصمیم‌گیری در خصوص این امر را به حقوق داخلی دولت‌ها محول کرده است؛ اگرچه به نظر می‌رسد جنبه‌هایی از این محتوا نظیر اطلاع قبلی دادن به دولت متأثر، به سمت معرفی شدن در حرکت است (Maruhn, 2011: 228; Birnie & Beyerlin et al., 2009: 565; McCaffrey, 2007: 473; Epiney, 2009: 47; Gillespie, 2008: 230; UN

مانند لزوم مشارکت دادن دولت‌های متأثر در فرایند ارزیابی محیط زیستی، ارائه یافته‌های مربوط به ارزیابی به دولت متأثر و مشارکت عمومی در این فرایند و نظارت پسینی^۱، اختلاف نظر وجود دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کارخانه خمیر کاغذ در پاراگراف‌های ۲۰۵، ۲۱۵ و ۲۱۶ این دیدگاه را تأیید کرده است. در نظام حقوق داخلی ترکیه نیز ارزیابی آثار محیط‌زیستی مورد توجه قرار گرفته است. در ماده ۱۰ قانون محیط‌زیست ۱۹۸۳ ترکیه (Environment Law No 2872, lawsturkey, 2018) از کلیه نهادها، آژانس‌ها و موسسات درگیر در امور محیط‌زیستی خواسته شده بود که گزارش ارزیابی محیط‌زیستی تهیه کنند. در این ماده، پیش بینی شده بود پروژه‌هایی که نیاز به ارزیابی دارند در یک آئین‌نامه مشخص خواهد شد. ماده ۷ آئین‌نامه موردنظر، انجام ارزیابی آثار محیط‌زیستی برای کلیه پروژه‌هایی که در ضمیمه ۱ این آئین‌نامه فهرست شده‌اند از جمله ساخت سدهای با ظرفیت بیش از ۰/۰۲۵ میلیون کیلووات را دربر می‌گیرد. عملکرد دولت ترکیه در خصوص پروژه آناتولی جنوب شرقی نشان‌دهنده این است که آئین‌نامه مذکور به دقت رعایت نشده است.^۲ در ارتباط با سد ایلیسو در

1. Post-EIA Monitoring.

۲. در نظام حقوق داخلی سوریه نیز بر لزوم انجام ارزیابی آثار محیط زیستی تأکید شده است. قانون حفاظت محیط زیستی سال ۲۰۰۲ (Environment Protection Law No. 50) بند ۵ ماده ۴ خواستار اعمال شرایط و آئین‌های ارزیابی محیط زیستی شده است. همچنین با صدور فرمان شماره ۲۲۵ در سال ۲۰۰۸ از سوی وزیر امور محلی و محیط زیست سوریه، مقررات مشخصی در خصوص ارزیابی آثار محیط زیستی وضع شد. بند ۱ ماده ۳ این فرمان خواستار انجام ارزیابی محیط زیستی برای اقدامات فهرست شده در ضمیمه ۱ این سند شده است. بند ۵ و ۶ بخش ۱۲ این ضمیمه ارزیابی آثار محیط زیستی را شامل فعالیت‌ها و اقداماتی از جمله سدسازی و پروژه‌های مدیریت آب قلمداد کرده است. ماده ۱۴ این فرمان به آثار فرامرزی احتمالی محیط زیستی اشاره و تصریح کرده است در مواردی که یک اقدام پیشنهادی احتمال می‌رود دارای آثار فرامرزی عمده باشد، کمیسیون عمومی برای امور محیط زیستی باید برای کشورهای که احتمال خسارت دیدن دارند اقدامات پیشنهادی و اطلاعات مربوط به آثار فرامرزی را فراهم کند. (ILO, 2018)

(eia-susy, 2018)

در نظام حقوق داخلی عراق نیز ارزیابی آثار محیط زیستی مورد توجه قرار گرفته است. قانون ارتقا و حفاظت از محیط‌زیست (Federal Law No. 27 of 2009) در ماده ۱۰ خواستار انجام ارزیابی آثار محیط‌زیستی قبل از

سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ توسط گروه محیط زیستی ایلسو گزارش ارزیابی آثار محیط زیستی منتشر شده است،^۱ اما در این دو گزارش بسیاری از موضوعات کلیدی مرتبط با محیط زیست نظیر تأثیر بر کیفیت آب، آثار سد بر دولت‌های پائین دستی و رسوب‌گذاری بسیار مختصر و در حد تئوری بحث شده است و هیچ‌گونه ارزیابی منطبق با واقعیات، کامل و دقیق از آثار احداث سد صورت نگرفته است. هیچ‌یک از این گزارش‌ها به سؤالاتی در مورد ماهیت، میزان و محدوده آثار احتمالی سد ایلسو پاسخ نداده است و به دلیل فقدان شفافیت قابل‌پذیرش نیست. گزارش‌های مذکور به طور جدی آثار احتمالی ساخت سد را بر تنوع زیستی و گونه‌های پرندگان این منطقه را مورد تجزیه و تحلیل قرار نداده است.^۲ بنابراین دولت ترکیه می‌بایست آثار بهره‌برداری از این سد را به منظور تسهیل مشارکت مقتضی و مشورت با حسن نیت در اختیار دولت‌های همسایه که به طور عمده از اجرای این طرح متأثر می‌شوند، قرار می‌داد.

انجام ارزیابی‌های فرامرزی محیط‌زیستی برای پروژه‌هایی که ممکن است آثار مخرب محیط‌زیستی برای سایر دولت‌ها به همراه داشته باشد، امروزه به یک قاعده

تائید اقداماتی که به احتمال زیاد آثار عمده‌ای روی محیط زیست دارد شده است. اگرچه این ماده اشاره‌ای به آثار فرامرزی نکرده است. (extwprlegs.fao, 2018) در خصوص منطقه کردنشین عراق نیز پارلمان کردستان مقررات ویژه‌ای را برای حفاظت از محیط زیست تصویب کرده است (Kurdish Regional Law 8/2008). ماده ۱۳ این قانون به وزیر محلی محیط‌زیست اجازه داده است که از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی بخواهد که نسبت به اقدامات خود که احتمال دارد آثار عمده محیط زیستی داشته باشند، ارزیابی آثار محیط زیستی را اتخاذ کنند. (kurdistan-parliament, 2018)

در نظام حقوق داخلی جمهوری اسلامی ایران نیز موضوع ارزیابی آثار محیط زیستی در آیین‌نامه ارزیابی اثرات محیط‌زیستی طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی، خدماتی و عمرانی مصوب ۱۳۹۰، مورد تأکید قرار گرفته است.

1. EAIR (2001) prepared by the IEG composed of Hydro Concept Engineering (Switzerland), Hydro-Québec International (Canada), Colenco (Switzerland), and Dolsar (Turkey)- EIAR (2005) prepared by the IEG composed of Hydro Concept Engineering (Switzerland), Hydro-Québec International Inc. (Canada) and The Faculté Universitaire des Sciences Agronomiques of Gembloux (Belgium).

۲. برای مطالعه تفصیلی آثار احداث سد/ایلسو بر روی حیات‌وحش و پرندگان این منطقه ر.ک:

Review of the Environmental Impact Assessment report submitted for the Ilisu dam and Hydro-Electric power project, Prepared by Doga Derneği, February 2006, (Stopilisu, 2018)

حقوق بین‌الملل عرفی مبدل شده است (5: 1992; Robinson, 1992: 199; McIntyre, 2006: 199; Beyerlin & Marauhn, 2011: 233; Bine & et al., 2009: 169; Epiney, 1992: 593). دولت ترکیه نه تنها به لزوم ارزیابی آثار محیط‌زیستی فرامرزی به صورت مستمر اعتراض نکرده است بلکه در حرف د بند ۳ ماده ۴ کنوانسیون ۱۹۷۶ بارسلون در مورد حفاظت دریای مدیترانه علیه آلودگی و پروتکل ۱۹۹۴ مادرید آن تعهد به انجام ارزیابی آثار محیط زیستی فرامرزی را پذیرفته و رضایت خود را در مورد لزوم انجام ارزیابی‌های محیط‌زیستی فرامرزی اعلام کرده است.

با توجه به اینکه بهره‌برداری از سد ایلیسو ممکن است وضعیت غیرقابل جبرانی برای محیط‌زیست سایر دولت‌ها ایجاد کند و هزینه‌های اعاده وضع به حال سابق نیز خارج از توان دولت ترکیه باشد، به منظور دوری جستن از خطرات احتمالی این پروژه، اعمال اصل صلاحیت سرزمینی با محدودیت مواجه خواهد شد. اثر حقوقی تقدم اصل اقدامات احتیاطی نسبت به اعمال اصل صلاحیت سرزمینی در خصوص سد ایلیسو این است که دولت ترکیه، سازوکارهای پیشگیرانه نظیر انجام صحیح و دقیق ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی، نظارت، صدور اعلامیه و تبادل اطلاعات مربوط به خطرات بالقوه محیط‌زیستی را در دستورکار خود قرار دهد.

در خصوص قابلیت اجرایی و استناد به این اصل در محاکم بین‌المللی در برابر دولت ترکیه نیز باید خاطر نشان کرد، به نظر می‌رسد که اصل پیشگیری به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی مبدل شده است و علاوه بر آن برخی اسناد الزام‌آور مورد اشاره در بالا که متضمن اصل پیشگیری است، از سوی دولت ترکیه مورد تصویب قرار گرفته است.^۱ عدم پایبندی دولت ترکیه به این اصل را می‌توان به گونه‌ای نقض یک تعهد بین‌المللی محیط‌زیستی تلقی کرد که می‌تواند موجبات مسئولیت بین‌المللی این دولت را فراهم آورد.

۱. کنوانسیون حفاظت از لایه ازن در سال ۱۹۹۱ و کنوانسیون تنوع زیستی در سال ۱۹۹۷ از سوی دولت ترکیه تصویب شده است.

۶-۳. اصل همکاری^۱

اصل حسن هم‌جواری رابطه تنگاتنگی با تکلیف به همکاری در تحقیق، شناسایی و پیشگیری از خسارات محیط‌زیستی دارد (Valverde Soto, 1996: 197). همکاری بین‌المللی برای صیانت و نگهداری از محیط‌زیست ضرورتی است که جامعیت و فراگیری اکوسیستم، اقتضای آن را دارد (کک دین و دیگران، ۱۳۸۳: ۹۵۳). مدیریت منابع مشترک همچون منابع آبی فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی، تغییرات آب‌وهوا و تنوع زیستی نیازمند همکاری‌های بین‌المللی است. تمایل جهانی به همکاری بین‌المللی در راستای حفاظت از محیط‌زیست، در بسیاری از اسناد الزام‌آور و غیر الزام‌آور حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تصریح شده است (زارعی، پورهاشمی و خلعتبری، ۱۳۹۲: ۶۱). هرچند دولت‌ها دارای حاکمیت مستقل هستند، ولی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست یک الزام کلی به همکاری با دیگر دولت‌ها را به عنوان یک اصل در جهت برطرف کردن مشکلاتی که مربوط به جامعه بین‌المللی است، مورد توجه قرار داده است.

در میان اسناد غیر الزام‌آوری که به اصل همکاری توجه کردند می‌توان به اصل ۷ اعلامیه ریو، اصل ۳۵ بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲، ماده ۴ طرح پیش‌نویس پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی و ماده ۷ پیش‌نویس برنامه محیط‌زیست ملل متحد در خصوص همکاری اشاره کرد. مواد ۵۵، ۵۶ و ۷۴ منشور ملل متحد، ماده ۱۲۳ و ۱۹۷ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون حفاظت از لایه ازن ۱۹۸۵، ماده ۱۰ کنوانسیون بازل ۱۹۸۹، بند ۵ ماده ۴ کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی ۱۹۹۲، ماده ۷ کنوانسیون مقابله در برابر آلودگی نفتی ۱۹۹۰، مواد ۴ و ۷ کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی ۱۹۹۴ و ماده ۵ کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ از جمله اسناد الزام‌آوری است که به لزوم همکاری بین‌المللی اشاره کرده است. در اسناد بین‌المللی منطقه‌ای^۲ و قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد^۱ نیز اصل همکاری مورد

1. The Principle of Cooperation.

۲. از جمله اسناد منطقه‌ای در این زمینه می‌توان به این موارد اشاره کرد: کنوانسیون حفاظت از دریای مدیترانه در

توجه قرار گرفته است.

اصل همکاری در آرای محاکم بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. دیوان بین‌المللی دادگستری در پاراگراف ۳۲ رأی خود در قضیه گابچیکو- ناگی ماروس به اصل همکاری اشاره کرده است. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها نیز در قضیه موکس اختلاف بین ایرلند و انگلستان با صدور دستور اقدامات موقتی در پاراگراف ۸۳ دستور خود تکلیف به همکاری را یک اصل اساسی در جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست دریایی محسوب کرده است (The MOX Plant (Case Ireland v. United Kingdom, Provisional Measures

محیط زیست حد و مرز مشخصی ندارد و در نتیجه قواعد قابل اعمال آن خاستگاه بین‌المللی و ماهیت فرامرزی دارند. هرگونه صدمه‌ای که یک دولت به محیط زیست خود وارد می‌آورد در سرزمین سایر دولت‌ها ممکن تأثیراتی داشته باشد. هیچ دولتی نمی‌تواند ادعا کند که به تنهایی و بدون کمک سایر دولت‌ها قادر به حل معضلات محیط‌زیستی است. بنابراین، به منظور جلوگیری و رفع مخاطرات محیط‌زیستی همکاری اعضای جامعه بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر است و یک دولت نمی‌تواند به بهانه اعمال اصل صلاحیت سرزمینی خود، از همکاری با سایر دولت‌ها در زمینه مسائل محیط‌زیستی امتناع کند. اثر حقوقی تقدم اصل همکاری نسبت به اعمال اصل صلاحیت سرزمینی در خصوص سد ایلیسو این است که دولت ترکیه باید به منظور حفاظت و حمایت از محیط‌زیست جهانی با دول همسایه که ممکن است محیط زیست آن‌ها در اثر بهره‌برداری از این سد دچار آسیب‌هایی شود، به تبادل اطلاعات

برابر آلودگی ۱۹۷۶ (مواد ۴، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۲۱)، کنوانسیون همکاری، حفاظت و توسعه محیط‌زیست دریایی و سواحل در منطقه آفریقای غربی و مرکزی ۱۹۸۱ (مواد ۴، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۲۳)، کنوانسیون همکاری چندجانبه شیلات آتلانتیک شمال غربی ۱۹۷۸ (مواد ۶ و ۱۷)، معاهده همکاری آمازون (مواد ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۸ و ۲۰)، کنوانسیون اروپایی چارچوب همکاری فرامرزی بین جوامع و مقامات سرزمینی ۱۹۸۰ (مواد ۱ تا ۳) و کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط‌زیست دریای خزر ۲۰۰۳ (ماده ۶).

۱. از جمله قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی ملل متحد در این خصوص می‌توان به این موارد اشاره کرد: قطعه‌نامه ۲۹۹۵، ۲۹۹۷، ۳۱۲۹ و ۳۱/۱۱۲.

ضروری، مشورت، اقدامات مشترک و سایر اشکال همکاری با حسن نیت، به منظور متوقف کردن یا کاهش آثار سوء احتمالی ناشی از این پروژه بپردازد. در خصوص قابلیت اجرایی و استناد به این اصل در محاکم بین‌المللی در برابر دولت ترکیه نیز باید خاطر نشان کرد، برخی اسناد الزام آور مورد اشاره در بالا که متضمن اصل لزوم اطلاع رسانی است، از سوی دولت ترکیه مورد تصویب قرار گرفته است.^۱ عدم رعایت این اصل از سوی دولت ترکیه را می‌توان به گونه‌ای نقض تعهد بین‌المللی این دولت در عرصه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست محسوب کرد که می‌تواند مسئولیت بین‌المللی برای این دولت به همراه داشته باشد.

نتیجه‌گیری

پدیده ریزگردها در زمره آن دسته از معضلات محیط زیستی است که منبع آن به طور کلی یا جزئی در قلمروی سرزمینی یک یا چند دولت واقع شده است و آثار مخرب آن به محدوده سرزمینی سایر دولت‌ها سرایت می‌کند. وقوع توفان‌های گرد و غبار در سال‌های اخیر، بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم برای مردم کشور ما را به شدت با مخاطره مواجه کرده است. علی‌رغم آثار و پیامدهای مخرب پدیده ریزگردها، مقابله با این موضوع کمتر مورد توجه نظام بین‌المللی حفاظت از هوا قرار گرفته است و ضرورت تدوین موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در این زمینه آشکار است. عملیات احداث و بهره‌برداری از سدهای برق-آبی در کنار منافع فراوانی که برای یک دولت به ارمغان می‌آورد، ممکن است آثار و پیامدهای محیط زیستی زیان باری برای قلمروی سرزمینی سایر دولت‌ها به همراه داشته باشد. سد ایلیسو که از جانب دولت ترکیه و در قالب پروژه آناتولی جنوب شرقی در حال احداث است و در آینده نزدیک به بهره‌برداری خواهد رسید، ممکن است با ایجاد تأثیر کاهشی بر میزان آب دریافتی

۲. کنوانسیون حفاظت از لایه ازن در سال ۱۹۹۱، کنوانسیون تغییرات آب و هوایی در سال ۲۰۰۴، کنوانسیون تنوع زیستی در سال ۱۹۹۷ و کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی در سال ۱۹۹۸ از سوی دولت ترکیه تصویب شده است.

دولت‌های سوریه و عراق، احتمال فرایند خشک شدن تالاب‌ها و بیابان‌زایی و در نتیجه گسترش چشمه‌های گرد و غبار را افزایش دهد. در صورت وقوع چنین امری، پدیده ریزگردها در ایران تشدید خواهد شد.

در حقوق بین‌الملل محیط زیست، بین‌المللی شدن قواعد را طبیعت اشیاء تحمیل می‌کند. حقوق باید ماهیت ذاتاً بین‌المللی آسیب‌های وارده به محیط زیست را مورد توجه قرار دهد. آسیب‌هایی که عکس‌العمل دولت‌های متأثر از یک پدیده را به دنبال دارد؛ بنابراین آزادی عمل دولت‌ها در قالب اعمال صلاحیت سرزمینی محدود می‌شود. دولت‌ها مکلف‌اند از قلمروی سرزمینی خود به‌گونه‌ای استفاده کنند که مغایر حقوق سایر دولت‌ها نباشد. آزادی دولت‌ها برای انجام فعالیت یا اعطای مجوز در قلمروی سرزمینی‌شان نامحدود نیست. این آزادی در قید تعهد جلوگیری از ورود خسارت فرامرزی در قبال سایر دولت‌هاست. محیط زیست یک ارزش مشترک بشریت است که از دایره حاکمیت و انحصار ملی خارج می‌شود. ارزشی که حفظ و نگهداری آن وظیفه کل جامعه بین‌المللی است. هر کجا که اعمال اصل صلاحیت سرزمینی دولت‌ها در تماس با حاکمیت سرزمینی و تمامیت ارضی دول دیگر قرار می‌گیرد محدود می‌شود. دولت‌ها علی‌رغم تفوق سرزمینی خود، نمی‌توانند منافع خود را از رهگذر ورود خسارت محیط‌زیستی به قلمرو سایر دولت‌ها تأمین کنند.

هر دولتی در جامعه بین‌المللی متعهد است قبل از آغاز علمیات ساخت یک سد به ارزیابی دقیق و بی‌طرفانه آثار و پیامدهای احتمالی بهره‌برداری از یک سد برای محیط‌زیست سایر دولت‌ها بپردازد. این تعهد حتی در مواردی که احداث سد مورد نظر منافع فراوانی برای آن دولت به همراه دارد و ساخت آن برای تأمین انرژی ضرورت دارد، پابرجاست. این تعهد با استفاده معقول و منصفانه از آبراه‌های بین‌المللی نیز مطابقت دارد. بر این اساس، دولت‌ها و به‌ویژه دولت ترکیه که قصد دارد اقدام به احداث و بهره‌برداری از سدهای برق-آبی کند، باید به منظور احراز از بروز آثار نامطلوب محیط‌زیستی برای خود و سایر دولت‌ها اصول مشخصی از حقوق بین‌الملل

محیط زیست را مدنظر و در اولویت و تقدّم قرار دهد. این موضوع از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری نیز به کرسی تأیید نشسته است که وجود تعهد کلی دولت‌ها به تضمین اینکه فعالیت‌های آن‌ها در قلمروی تحت صلاحیت و کنترل آن‌ها به محیط زیست سایر دولت‌ها یا مناطق ماورای کنترل ملی آن‌ها احترام می‌گذارد، در حال حاضر قسمتی از ارکان تشکیل دهنده حقوق بین‌الملل مربوط به محیط زیست است. عدم پایبندی به این اصول، منجر به نقض تعهدات بین‌المللی محیط زیستی و مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی خواهد شد.

منابع

الف. فارسی

اردبیلی، لایلا (۱۳۸۹) «بررسی فرایندهای مؤثر در تشدید گرد و غبار سال‌های اخیر ایران»، دومین همایش ملی فرسایش بادی و طوفان‌های گرد و غبار، دانشگاه یزد، صص ۴۵۵-۴۴۸.

پورهاشمی، عباس و ارغند، بهاره (۱۳۹۲) حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران: نشر دادگستر.

پورهاشمی، عباس و زارع، علی (۱۳۹۴) «بررسی اجرای اصل احتیاطی در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، بهار، دوره ۱۱، شماره ۲۳، صص ۱۲۳-۱۱۷.

تقی‌ملایی، یوسف (۱۳۹۵) «مدیریت جامع حوضه آبریز دجله و فرات در جهت مهار بیابان‌زایی و پدیده ریزگردها: سیاست‌ها، چشم‌اندازها و پیش‌بینی»، فصلنامه استراتژی راهبردی جنگل، تابستان، سال اول، شماره ۲، صص ۳۳-۱.

حسینی، محمد (۱۳۹۱) «بررسی حقوقی ریزگردها از منظر آلودگی فرامرزی با نگاهی گذرا به وضعیت ایران»، فصلنامه علمی محیط زیست، شماره ۵۲، صص ۸۲-۶۹.

حیدرزاده، طاهر، جمالی، حمیدرضا و غلامی، محمد (۱۳۹۶) «بررسی حقوقی افزایش پدیده ریزگردها در ایران و کشورهای همسایه با تأکید بر کشور عراق»، فصلنامه

پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۳۵-۶۱.
 خدابنده دیزج تکیه، هلن، (۱۳۸۷) «چکیده کتاب ارزیابی اثرات محیط زیستی، تجارب،
 تنگناها و روند آینده»، نشریه علمی محیط و توسعه، زمستان، سال دوم، شماره ۳،
 صص ۷۸-۷۳.

رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۶) «نگاهی به اصل استفاده غیر زیان‌بار (پایدار)
 از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، فصلنامه علوم محیطی، تابستان،
 دوره ۴، شماره ۴، صص ۷۳-۵۷.

رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و سنایی پور، سعید (۱۳۹۲) «بررسی حقوقی پایبندی
 ایران به تعهد استفاده معقول از دریاچه ارومیه با تأکید بر کنوانسیون رامسر»، مجله
 مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، زمستان، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۴۰-۱۰۹.

زارعی، سحر، پورهاشمی، عباس و خلعتبری، یلدا (۱۳۹۲) «بررسی جایگاه اصل
 همکاری در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی،
 تابستان، دوره ۱۵، شماره ۳۹، صص ۹۰-۶۱.

شیلتون، دینا و کیس، الکساندر (۱۳۹۴) کتابچه قضایی محیط‌زیست، ترجمه و تحقیق
 محسن عبدالهی، تهران: مرکز مطالعات و توسعه قضایی.

طائی سمیرمی و دیگران. (۱۳۹۲) «شناخت و بررسی عوامل مؤثر بر پدیده گرد و غبار
 در غرب ایران»، فصلنامه انسان و محیط‌زیست، زمستان، دوره ۱۱، شماره ۴،
 صص ۱۰-۱.

طلائی، فرهاد و دریادل، احسان (۱۳۹۴) «بررسی چالش‌های تالاب انزلی و راهکارهای
 رفع آن در چارچوب کنوانسیون رامسر»، مجله حقوقی بین‌المللی، بهار و تابستان،
 دوره ۳۲، شماره ۵۲، صص ۳۱۲-۲۷۷.

طوفان، مسعود (۱۳۸۹) «چالش‌ها و چشم‌اندازهای همکاری‌های منطقه‌ای در مهار
 ریزگردها»، مجله سیاست خارجی، زمستان، دوره ۲۴، شماره ۴، صص ۹۵۸-
 ۹۴۳.

عبدالهی، محسن و معرفی، سعیده (۱۳۸۹) «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در

- حقوق بین الملل محیط زیست»، فصلنامه پژوهش حقوق، تابستان، دوره ۱۲، شماره ۲۹، صص ۲۴۴-۱۹۹.
- عبدی نژاد، غلام عباس (۱۳۸۹) «شرحی بر عوامل وقوع آثار پدیده گرد و غبار و چگونگی کنترل آن»، ماهنامه سبزینه، سال پنجم، شماره ۴۳، ص ۲.
- کک دین و دیگران (۱۳۸۳) حقوق بین الملل عمومی، جلد دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- کوروکولاسوریا، لال و راینسون، نیکلاس (۱۳۹۰) مبانی حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه محمدمهدی حسینی، تهران: نشر میزان.
- گنجعلی نژاد، منیژه (۱۳۹۴) ریزگردها و الزامات حقوقی دولت‌ها، تهران: انتشارات خرسندی.
- موسوی، فضل الله، حسینی، حسین و موسوی فر، حسین (۱۳۹۴) «اصول حقوق بین الملل محیط زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، پائیز، دوره ۱۷، شماره ۴۸، صص ۲۵-۹.
- وثوقی فرد، بابک (۱۳۹۲) «قضیه سم پاشی هوایی (اکوادور علیه کلمبیا) تریل اسملتر قرن بیست و یکم؟»، مجله حقوقی بین المللی، پائیز و زمستان، دوره ۲۹، شماره ۴۷، صص ۱۵۸-۱۳۹.

ب. انگلیسی

- Beyerlin, Ulrich & Marauhn, Thilo (2011) **International Environmental Law**, London: Hart Publishing.
- Bodansky, Daniel (1995) 'Customary (and Not So Customary) International Environmental Law', **Indian Journal of Global Legal Studies**, Vol.3, Issue.1, pp.105-119.
- Cameron, James & Abouchar, Juli (1991) 'The Precautionary Principle: A Fundamental Principle of Law and Policy for the Protection of the Global Environment', **Boston College International and Comparative Law Review**, Vol.14, pp.1-27.
- D'Amato, Anthony & Kirsten, Engel (1997) **International Environmental Law Anthology**, Anderson Pub Co.
- Dogadernegi, (2018) 'Review of the Environmental Impact Assessment

Report Submitted for the Ilisu Dam nad Hydro-Electric Power Project' (last visited on 17 May 2018) in: http://m-h-s.org/ilisu/upload/PDF/Analysen/D9_20DD_Review_IlisuEIAR.pdf

- Epiney, Astrid (2009) 'Environmental Impact Assessment', **Max Planck Encyclopedia of Public International Law**, paragraph 47.
- FAO, (2018) 'Dams Geo-referenced database'(last visited on 17 May 2018) in: <http://www.fao.org/nr/water/aquastat/dams/index.stm>
- FAO, (2018) 'Law No 27 of 2009 for Protection and Improvement of Environment' (last visited on 17 May 2018) in: <http://extwprlegs1.fao.org/docs/pdf/irq100188E.pdf>
- Fitzmaurice, Malgosia (2009) **Contemporary Issues in International Environmental Law**, Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
- Freestone, David (1999) 'Caution or Precaution: "A Rose by Any Other Name..."', **Yearbook of International Environmental Law**, Vol.10, Issue.1, pp. 25-32.
- GAP, (2018) 'Statistical Data' (last visited on 17 May 2018) in: <http://www.gap.gov.tr/en>
- Gillespie, Alexander (2008) 'Environmental Impact Assessment in International Law', **Review of European Community and International Environmental Law**, Vol.17, Issue.2, pp. 221-233.
- Hafner, Gerhard. & Buffard, Isabelle (2010) "Obligations of Prevention and the Precautionary Principle", In Crawford, James & et al (eds). (2010) **The Law of International Responsibility**, Oxford: Oxford University Press.
- Hunter, David & et al. (2006) **International Environmental Law and Policy**, Minnesota: Foundation Press.
- Icold-cigb, (2018) 'Number of Dams by Country Members' (last visited on 17 May 2018) in: http://www.icold-cigb.net/article/GB/world_register/general_synthesis/number-of-dams-by-country-members
- International Labour Organization, (2018) 'Database of national labour, social security and related human rights legislation' (last visited on 17 May 2018) in: http://www.ilo.org/dyn/natlex/natlex4.detail?p_lang=en&p_isn=83636
- Keramat, Akram & et al. (2011) "Climate Change, Drought and Dust Crisis in Iran", **International Journal of Environmental, Chemical, Ecological, Geological and Geophysical Engineering**, Vol.5, No.9, pp. 472 – 475.

- Kirschner, Adele & Tiroch, Katrin (2012) “The Waters of Euphrates and Tigris: An International Law Perspective”, **Max Planck Yearbook of United Nations Law**, Vol.16, pp. 329-394.
- Kiss, Alexandre (2003) “The Destiny of the Principles of the Stockholm Declaration”, in: Nordquist, Myron & et al (2003) **The Stockholm Declaration and the Law of Marine Environment**, New York : Kluwer Law International, pp. 53-66.
- Koivurova, Timo (2014) **Introduction to International Environmental Law**. London & New York: Routledge.
- Kravchenko, Svitlana et al. (2013) ‘Principles of international environmental law’ in: Alam, Shawkat & et al (eds). (2013) **Routledge Handbook of International Environmental Law**. London & New York: Routledge.
- Kurdistan parliament, (2018) ‘An act for the Kurdistan Region – Iraq board for the protection and enhancement of the environment’ (last visited on 17 May 2018) in: <http://www.kurdistan-parliament.org/files/articles/120810103229.pdf>
- Lawsturkey, (2018) ‘Family Law in Turkey’ (last visited on 17 May 2018) in: <http://www.lawsturkey.com/law/environment-law-2872>
- Larry, Mays W. (2010) **Ancient Water Technologies**, Heidelberg London New York: Springer.
- Louka, Elli (2006) **International Environmental Law: Fairness, Effectiveness and World Order**, New York: Cambridge University Press.
- McCaffrey, Stephan (2007) **The Law of International Watercourses**, Second Edition, Oxford: Oxford University Press.
- McIntyre, Owen & Mosedale, Thomas (1997) ‘The Precautionary Principle as a Norm of Customary International Law’, **Journal of Environmental Law**, Vol.9, pp. 221–241.
- Patricia, Birnie & et al (2009) **International Law and the Environment**, third Edition, Oxford: Oxford University Press.
- Partan, Daniel G. (1988) “The "Duty to Inform" in International Environmental Law”, **Boston University International Law Journal**, Vol.6, pp. 43-88.
- Robinson, Nicholas (1992) ‘International Trends in Environmental Impact Assessment’, **Boston College Environmental Affairs Law Review**, Vol.19, issue.3, pp. 591-622.
- Sadeleer, Nicolas (2000) “The Enforcement of the Precautionary Principle by German, French and Belgian Courts”, **Review of European, Comparative & International Environmental Law**,

Vol.9, Issue. 2, pp.144–151.

Sands, Philippe (2003) **Principles of International Environmental Law**, Second Edition, Cambridge: Cambridge University Press.

Soto, Valverde, M. (1996) “General Principles of International Environmental Law”, **ILSA Journal of International & Comparative Law**, Vol. 3, Issue. 1, pp. 193-209.

Wolfum, Rudiger (1990) “Purposes and Principles of International Environmental Law”, **German. Yearbook of International Law**, Vol.33, pp.308-330.

Cases

Arbitration regarding the Iron Rhine (“Ijzeren Rijn”) Railway between the Kingdom of Belgium and the Kingdom of the Netherlands, 2005.

Case Concerning Aerial Herbicide Spraying, Ecuador v. Colombia, I.C.J.

Case Concerning Land Reclamation by Singapore in and Around the Straits of Johor (Malaysia v. Singapore), ITLOS, Order of 8 October 2003.

Case Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary v. Slovakia), 1997 I.C.J.

Corfu Channel case, 1949, ICJ Reports.

EC-Hormones, WTO Appellate Body, EC Measures Concerning Meat and Meat Products, WT/DS48/AB/R, 16 January 1998.

Emilio Agustin Maffezini v. Kingdom of Spain, 2001.

Lake Lanoux, 1957, RIAA, Vol.12.

Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1996.

MOX Plant Case (Ireland v. United Kingdom), Provisional Measures, Order of 3 December 2001.

MOX Plant case (Order concerning Provisional Measures), Separate Opinion Judge Mensah and Separate Opinion Judge Szekely, 2002.

Southern Blufin Tuna Case (New Zealand v. Japan; Australia v. Japan) Provisional Measures, ITLOS, Cases No 3-4, 27 August 1999.

Tatar v. Romania (App No 67021/01) ECHR, Judgement of 27 January 2009.

Territorial Jurisdiction of the International Commission of the River Oder, Judgment No. 16, 1929, P.C.I.J. Series A, No. 23.

Trail Smelter, (United States, Canada), 16 April 1938 and 11 March 1941, RIAA, Vol.3.